

فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی؛ توصیفات و تبیین‌های فعالان این عرصه

علی انتظاری^۱ اسماعیل نوده فراهانی^۲ امیر نوده فراهانی^۳

چکیده

این مقاله وضعیت و سیر فعالیت‌های جمعی قرآنی را از دیدگاه فعالان این عرصه مورد مطالعه قرار داده است. هدف اصلی این اقدام بررسی تغییرات اجتماعی - فرهنگی و چگونگی تأثیر آنها بر فعالیت‌های جمعی قرآنی است. برای پاسخ به این مهم، از مفاهیم مرتبط با نظریات اوقات فراغت، جهانی‌شدن و دینداری بهره برده‌ایم. رویکرد پژوهشی در مقاله حاضر، از نوع کیفی می‌باشد و از روش نظریه داده‌بنیاد (گراندد تئوری) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شده است. همچنین برای جمع‌آوری داده‌ها، تکنیک مصاحبه و مشاهده مشارکتی به کار برده شده و مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش بیست نفر شامل فعالان کنونی و سابق قرآنی بودند که به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. از دیدگاه فعالان این عرصه، فعالیت‌های جمعی قرآنی خودجوش در ایران از دهه ۱۳۷۰ تاکنون رو به کاهش بوده است. بر اساس یافته‌های پژوهش، زمینه‌های کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی متأثر از اولویاتیابی مسائل اقتصادی برای خانواده‌ها و جامعه، رجحان‌یابی آموختن مهارت‌هایی نظیر زبان انگلیسی و ورزش حرفه‌ای که به نوعی زمینه کسب موفقیت‌های اقتصادی قلمداد می‌شوند و سرانجام بروز بسترهای فراغتی نوین فردگرایانه میان فرزندان بوده است. همچنین در مورد شرایط مداخله‌گر در این پدیده می‌توان به چالش سیاست‌گذاری، عدم توجه به تبلیغ و ترویج، ناکافی بودن حمایت‌ها، نبود نگرش راهبردی در رسانه‌های قرآنی و فراقکنی چالش‌های سیاسی و حکومتی به این فعالیت‌ها اشاره کرد. در نهایت، مجموعه عوامل مذکور پیامدهایی را به دنبال داشته که کاهش منزلت فعالان قرآنی، تنزل گرایش مردم به برپایی این فعالیت‌ها و افزایش ساختارهای اداری مرتبط مهم‌ترین آنهاست.

واژگان کلیدی

فعالیت‌های جمعی قرآنی، فعالان قرآنی، فعالیت خودجوش، بوروکراتیزه کردن.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی. entezari@atu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه تهران. Farahani.es@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی. amir251.yaran@gmail.com

۱. مقدمه

دین همواره یکی از اثرگذارترین عوامل فرهنگی و اجتماعی در تاریخ ایران بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی که دین و به طور خاص اسلام را اساس حرکت خود قرار داد، توجه به دین افزایش یافت. در اسلام که دین رسمی جمهوری اسلامی است، قرآن کریم به عنوان کتاب آسمانی و مهم ترین منبع معرفت دینی به شمار می رود. از این رو در چهار دهه گذشته به طور کلی قرآن و فعالیت های قرآنی در مرکز توجهات مسئولان و مراکز فرهنگی کشور قرار داشته است.

این در شرایطی است که اولاً فعالیت های قرآنی، کارکردهای فرهنگی و اجتماعی چشمگیری داشته و به عنوان نمونه، این فعالیت ها فضای مؤثری برای تربیت و جامعه پذیری افرادند، ثانیاً فعالیت های مزبور از اهمیت خاصی برای جامعه و حکومت اسلامی برخوردارند. بدین ترتیب، در سال های اخیر شاهد گسترش نهادها، سازمان ها، مراکز و مؤسسه های فعال در زمینه قرآن هستیم که بودجه هایی را به منظور اشاعه قرآن و فرهنگ قرآنی دریافت می کنند (ر.ک: کاظمی نسب، ۱۳۹۵). به عنوان نمونه، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در افتتاحیه نمایشگاه قرآن سال ۱۳۹۷ درباره فعالیت های قرآنی در کشور گفت: «می توان ادعا کرد که حرکت های جامعه ایرانی در این چهل سال اخیر قابل مقایسه با چند سده قبل هم نیست» (ر.ک: صالحی، ۱۳۹۷).

با وجود این، به رغم انتشار نیافتن آمارهای رسمی، مشاهدات میدانی نشان می دهد فعالیت های قرآنی طی دهه های واپسین، دگرگونی هایی داشته است. برهم خوردن نظم برگزاری جلسات قرآنی به دلایل مختلف از جمله برگزاری مراسماتی مانند ختم و تلاش برای یافتن راهکارهایی برای عدم تداخل برنامه های مساجد با جلسات قرآن (ر.ک: اطهری فرد، ۱۳۹۳)، تعطیلی جلسات محوری و ثابت حفظ قرآن (ر.ک: بحرالعلوم، ۱۳۹۴)، تعطیلی جلسات قرآن در ایام عزاداری حسینی (ایکنا، ۱۳۹۶) و گلایه قاری بین المللی کشورمان از این واقعه (ر.ک: سیاح گرجی، ۱۳۹۷)، نگرانی از بی تفاوتی نسبت به کاهش جلسات قرآن خانگی و مساجد و تلاش برای تنظیم و ترسیم رابطه جلسات و مؤسسات قرآنی (ر.ک: توپچی، ۱۳۹۸) بخشی از واقعیت های غیرقابل انکار این حوزه است.

بنابراین به نظر می رسد درحالی که از منظر فعالان قرآنی شاهد کاهش فعالیت های

جمعی قرآنی خودجوش هستیم، ساختارهای اداری مرتبط با فعالیت‌های قرآنی به‌طور دایم درباره گسترش این فعالیت‌ها سخن می‌گویند. بدین ترتیب، مسئله اصلی این مقاله پرداختن به این ابهام است که به شهادت فعالان این عرصه و فارغ از ادعاهای رسمی و بوروکراتیک، اولاً فعالیت‌های جمعی قرآنی در چه شرایطی قرار دارد؟ و ثانیاً زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی چیست؟

۲. پیشینه تحقیق

موضوع این تحقیق، فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی است. برای تعریف این مفهوم هیچ منبع یا مأخذی وجود ندارد. با وجود این فعالیت‌های جمعی در حوزه‌های دیگری تعریف شده است (ر.ک: فرتاش و سیفوری، ۱۳۹۸؛ مریدی، ۱۳۹۰). بنابراین با توجه به دانش فردی و مشورت با فعالان علوم اجتماعی و قرآنی، تعریف اولیه‌ای از این مفهوم را در نظر می‌آوریم. بر این اساس، فعالیت‌های جمعی قرآنی عبارت است از مجموعه فعالیت‌هایی که با مشارکت فعالان قرآنی و مردم شکل می‌گیرند. به‌عنوان نمونه می‌توان به جلسات آموزش قرآن که در مساجد و حسینیه‌ها برگزار می‌شود، محافل قرآنی، مراسمات شبی با قرآن، مسابقات قرآنی و... اشاره کرد.

به‌طور کلی، مطالعات و تحقیقات انجام‌شده در زمینه‌های قرآنی در سه دسته قابل طبقه‌بندی است: دسته اول، مطالعاتی که مسائل و پدیده‌های جدید را با رویکرد قرآنی مورد بررسی قرار می‌دهند (ر.ک: پویا، ۱۳۹۷؛ کاظمی و عترت‌دوست، ۱۳۹۷؛ میرزاجانی بیجارپسی و صادقی نیری، ۱۳۹۹). دسته دوم، تحقیقاتی که یک مفهوم دینی یا قرآنی را با استفاده از متن قرآن توضیح می‌دهند (ر.ک: سپهری، ۱۳۸۴). دسته سوم نیز مطالعاتی که به‌طور تخصصی به موضوع تفسیر قرآن و قرائت آن می‌پردازند (ر.ک: امینی تهرانی و شهیدی‌پور، ۱۳۹۷). با توجه به توضیحات مزبور هیچ پیشینه تجربی مرتبطی با موضوع مقاله یافت نشد.

با این همه برخی پژوهش‌ها به مناسک دینی که به‌طور دسته‌جمعی انجام می‌شود، توجه کرده‌اند. به‌عنوان نمونه، یکی از مقالاتی که با موضوع شکاف نسلی انجام شده نشان می‌دهد که نگرش به مناسک دینی از جنبه فعالیت‌های اجتماعی در میان پاسخگویان دهه ۱۳۷۰ نسبت به دهه ۱۳۵۰ با کاهش روبه‌رو بوده است (بهار و رحمانی، ۱۳۹۱: ۳۰).

تحقیقات دیگری میزان شرکت در نماز جماعت را میان دو گروه جوانان و بزرگسالان مقایسه کرده و نشان داده‌اند ضمن نزولی بودن سیر کلی مشارکت هر دو گروه، جوانان کمتر از بزرگسالان در نماز جماعت شرکت کرده‌اند (فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸: ۸۷). در پژوهش دیگری نیز سه مقوله «میزان رفتن به مسجد»، «میزان رفتن به نماز جماعت» و «میزان رفتن به نماز جمعه» در تحقیقات موجود مورد تحلیل ثانویه قرار گرفته است. مطابق این پژوهش، میزان رفتن به مسجد با اختلاف کمی بیش از میزان رفتن به نماز جماعت بوده و میزان رفتن به نماز جمعه با اختلاف زیادی کمتر از میزان رفتن به نماز جماعت بوده است (غیاثوند، ۱۳۹۵: ۲۳۷-۲۳۸). همچنین غیاثوند در مقاله دیگری که به وضعیت رفتارهای دینی (فردی و جمعی) دانشجویان می‌پردازد معتقد است میان جوانان دانشجو، غیردانشجو و سایر مردم در انجام رفتارهایی همچون نماز خواندن، قرآن خواندن و شرکت در نماز جماعت چندان تفاوتی وجود ندارد (غیاثوند، ۱۳۸۶: ۱۳۴-۱۳۶).

در این میان، پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان (۱۳۹۵) حاوی اطلاعاتی است که امکان مقایسه میان فراوانی انجام اعمال و مناسک دینی مختلف را فراهم می‌کند. بر این اساس، انجام اعمال واجبی مانند نماز و روزه از بیشترین فراوانی برخوردار بوده‌اند که البته فاصله میان آنها را می‌توان به اقتضانات جسمانی روزه‌داری نسبت داد. در ضمن فراوانی پرداخت خمس و زکات (واجب دارای ابعاد ولایی - اقتصادی) کمتر از نماز و روزه است. فراوانی چهار عمل دینی مرتبط با یکدیگر یعنی نماز خواندن (واجب)، شرکت در نماز جماعت (مستحب مؤکد)، حضور در مسجد - که شامل اقامه نماز جماعت و فرادی، ختم و عزاداری می‌شود - و درنهایت، نماز جمعه (مستحب دارای ابعاد ولایی - سیاسی) نیز کاملاً گویاست. چنانچه دو وضعیت «هیچ‌وقت» و «به‌ندرت» را به‌عنوان «موضع منفی» و سه وضعیت «همیشه»، «اکثر اوقات» و «گاهی» را به‌مثابه «موضع مثبت» قلمداد کنیم صدقه دادن با بیشترین موضع مثبت (۹۰ درصد) مواجه است. زیارت اماکن متبرکه با ۷۷ درصد و شرکت در مجالس روضه و عزاداری با ۷۵/۵ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همین‌طور اگر دو وضعیت «همیشه» و «اکثر اوقات» را به‌عنوان «موضع بالفعل» مفروض بگیریم آن‌گاه تنها ۲۷/۷ درصد از موضع مثبت ۶۸/۸ درصدی تلاوت قرآن، بالفعل شده است. یعنی اگرچه موضع منفی چندان دربارۀ تلاوت قرآن وجود ندارد

اما موضع مثبت موجود، محقق نمی‌شود. سرانجام، استخاره کردن با ۵۲/۵ درصد موضع منفی و ۲۰/۲ درصد موضع بالفعل همراه است که نشان می‌دهد ۴۲/۵ درصد موضع مثبت آن محقق می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی درصدی پاسخ در مورد انجام دادن اعمال و مناسک دینی

(جوادی‌یگانه، ۱۳۹۵: ۱۹۷)

ردیف	موارد	هیچ‌وقت	به‌ندرت	گاهی	اکثر اوقات	همیشه
۱	نماز خواندن	۳/۱	۵/۳	۱۳	۲۰	۵۸/۵
۲	روزه گرفتن	۵/۱	۶/۷	۱۵/۷	۲۱/۷	۵۰/۸
۳	پرداخت خمس و زکات	۱۹/۹	۱۶/۸	۲۳/۳	۱۸/۲	۲۱/۷
۴	حضور در مسجد	۱۱/۲	۲۵	۳۵/۵	۱۷/۹	۱۰/۵
۵	شرکت در نماز جماعت	۱۷/۳	۲۷/۲	۲۹/۲	۱۵/۲	۱۱
۶	شرکت در نماز جمعه	۳۱/۷	۲۹/۶	۲۲/۳	۹/۸	۶/۶
۷	صدقه دادن	۱/۲	۸/۸	۲۸	۳۴/۲	۲۷/۸
۸	زیارت اماکن متبرکه	۴/۴	۱۸/۷	۴۴	۲۳/۹	۹/۱
۹	شرکت در مجالس روزه و عزاداری	۶/۳	۱۸/۳	۳۷/۴	۲۵/۸	۱۲/۳
۱۰	تلاوت قرآن	۹/۱	۲۲/۱	۴۴/۱	۱۸/۸	۸/۹
۱۱	استخاره کردن	۲۰/۶	۳۱/۹	۲۷/۳	۱۳/۳	۶/۹

۵۳

آنچه در این جدول آمده به تلاوت قرآن در معنای کلی کلمه مربوط می‌شود و فردی یا جمعی بودن این امر و یا تفاوت میان ماه رمضان با سایر ماه‌ها مورد توجه آن نبوده است. همچنین میان نماز خواندن و شرکت در نماز جماعت نمی‌تواند توضیح خاصی درباره تلاوت قرآن به صورت فردی یا شرکت در فعالیت‌های جمعی قرآنی به دست آورد.

۲-۱. تمهیدات نظری و مفهومی

با توجه به رویکرد کیفی این مقاله، نظریه‌ها و مفاهیم به‌عنوان چراغ راه و روشن‌کننده مسیر مورد نظر قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر مرور این نظریه‌ها و مفاهیم ابعاد مختلفی از موضوع را نمایان می‌سازد و پژوهشگر با حساسیت بیشتری وارد میدان تحقیق می‌شود.

نظریه‌ها و مفاهیم مرتبط با این موضوع، زیرمجموعه بحث تغییرات اجتماعی و تغییرات فرهنگی قرار می‌گیرد.

اگرچه بررسی تغییرات فرهنگی و اجتماعی از مهم‌ترین اهداف و مأموریت‌های نظریه اجتماعی مدرن است اما کمتر اجماع نظری در این زمینه وجود دارد. در سال‌های گذشته دیدگاه‌های رونالد اینگلهارت (ر.ک: ۱۳۷۳، ۱۳۸۲، ۱۳۸۷، ۱۳۹۵، ۱۳۹۹) از بیشترین شهرت در این راستا برخوردار بوده‌اند. با این حال، پژوهشگران مختلف برای توضیح تغییرات فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی، ترکیبی از نظریه‌های متنوع همچون تهاجم فرهنگی، توسعه انسان‌گرایانه و انقلاب کبیر را به کار گرفته‌اند.

در این چارچوب، تحولات مرتبط با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان، رونق تبادل اطلاعات در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی و... ذیل نظریه تهاجم فرهنگی - که خود از زیرمجموعه‌های رویکرد اشاعه‌گرایی به‌شمار می‌رود - قابل تحلیل است. همچنین تحولات فرهنگی ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه ذیل نظریه دگرگونی ارزشی اینگلهارت توضیح داده می‌شود و درنهایت، پدیده‌هایی مانند کاروان‌های راهیان نور، پیاده‌روی اربعین، غرب‌شناسی در مقابل تجددشناسی، تشییع پیکر قاسم سلیمانی و... از دریچه نظریه انقلاب کبیر، قابلیت شرح و تفسیر می‌یابد (ر.ک: کچویان، ۱۳۸۳، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ الف، ۱۳۹۱ ب).

افزون بر آنچه گفته شد تحلیل‌های دیگری وجود دارد که در توصیف برآیند کلی تحولات فرهنگی - اجتماعی جامعه ایرانی معتقدند در ایران پساجنگ گفتارهای سوژکتیو و فردگرایانه با مؤلفه‌های انسان اقتصادی، عرفان‌گرایی و روان‌شناسی موفقیت جای گفتار شهادت و ایثار را گرفته و سوژه بهنجار خود را تولید کرده‌اند (ر.ک: زائری و نریمانی، ۱۳۹۹).

۲-۲. نظریه‌ها و مفاهیم مرتبط با اوقات فراغت

در نظریه‌های مربوط به اوقات فراغت مفاهیم صنعت فرهنگ، صنعت فراغت، صنعت سرگرمی، صنعت غذا و... مطرح می‌شوند. با توجه به این مفاهیم می‌توان تا حدودی منطق تغییرات جهان معاصر را ادراک کرد. به گفته برخی نویسندگان همه آیین‌های ایرانی در بستر جهان متجدد و با توجه به فرهنگ‌های دنیای مدرن دستخوش تغییراتی شده و می‌شوند (فاضلی، ۱۳۸۶: ۹۱). فراغتی، مصرفی و رسانه‌ای شدن، عقلانی، دموکراتیک و

عرفی شدن، سرگرمی، جنسی، زنانه و کارناوالی شدن و بسیاری فرآیندهای دیگر، فرآیندهای عمومی تغییر فرهنگ در دنیای ما هستند. در این چارچوب، هر فعالیتی که با فرآیندهای مزبور همخوانی بیشتری داشته باشد با توسعه و رشد روزافزونی مواجه می‌شود. همچنین باید توجه داشت که مفاهیم «صنعت فرهنگ» و «هژمونی فرهنگی» ما را با این پرسش روبه‌رو می‌کند که نسبت هریک از فعالیت‌های فرهنگی با فرآیندهای مذکور چیست؟ (ر.ک: آدورنو و هورکهایمر، ۱۳۸۹). آیا دولت‌ها و سرمایه‌داران ایرانی، موسیقی‌های بی‌محتوا و فیلم‌های بنجل را ترغیب و ترویج می‌کنند یا فعالیت‌های قرآنی را توسعه می‌دهند که اصولاً مروج عدالت‌خواهی و ساده‌زیستی، و مقابله با تفاخر و تجمل است؟ آیا فعالیت‌های قرآنی در زمرهٔ امور هژمونیک و مورد حمایت صنعت فرهنگ هستند یا آنکه بازنمایی رسانه‌ای، در حال بساخت تصاویر معیوب و تحریف‌شده از آنهاست؟

غالباً چنین تصور می‌شود که فعالیت‌های قرآنی مورد توجه و تحت حمایت اساسی دولت‌های پس از انقلاب قرار داشته‌اند و صرف حمایت دولت، فعالیت‌های قرآنی را در درون صنعت فرهنگ و هژمونی فرهنگی قرار می‌دهد. با این فرض، می‌توان پرسید اصولاً حمایت دولت و انتساب فعالیت‌های قرآنی به نظام سیاسی تا چه میزان بر این فعالیت‌ها مؤثر بوده است؟ این مسئله که فرآیندهای مذکور چگونه می‌توانند بر فعالیت‌های فرهنگی و همچنین فعالیت‌های جمعی قرآنی اثرگذار باشند (ر.ک: ژاروار،^۱ ۲۰۰۸) دیگر موضوع مورد بحث را تشکیل داده و این پرسش را مطرح می‌کند که آیا فرآیندهای مزبور تمهیداتی برای تسهیل و رونق فعالیت‌های قرآنی هستند و این فعالیت‌ها را گسترش می‌دهند یا موانعی بر مسیر فعالیت‌های قرآنی می‌باشند؟ آیا چنین فرآیندهایی توانسته‌اند انگیزه‌ای برای حضور در فعالیت‌های قرآنی ایجاد کنند یا در تقابل با آنند؟

اگر صنعت فرهنگ را با دو مشخصهٔ ذائقه‌سازی برای افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف و نیز ایجاد منطق اقتصادی سودآور معرفی کنیم، این پرسش‌ها در شرایطی مطرح شده‌اند که در مطالعات قرآنی موجود، اوقات فراغت در معنای عام و غیرتاریخی به کار می‌رود (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۴-۴۶)، سبب کاهش فشار و استرس معرفی می‌شود و صورتی از مشارکت در فعالیت‌های جمعی و محیط‌های دوستانه تلقی می‌گردد (ر.ک:

۱. Hjarvard.

عباسی دره‌بیدی و محمودیان، ۱۳۹۴). بدین ترتیب، شاهد دو نوع کاربرد تجویزی اوقات فراغت در مطالعات قرآنی هستیم؛ اول، در معنای آموزشی و تربیتی و با هدف معرفت‌افزایی به شرکت‌کنندگان (سبحانی‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۴۸-۵۵)؛ دوم، در فضای پیشگیری و رفع آسیب‌های اجتماعی و به‌منظور دور کردن افراد از تفریحات ناسالم، محیط‌های آسیب‌زا و دوستان ناباب (ر.ک: مرادی و همکاران، ۱۳۹۹).

۲-۳. نظریه‌ها و مفاهیم مرتبط با جهانی‌شدن

بخشی از تغییرات اجتماعی و فرهنگی و همچنین فراز و فرود فعالیت‌های قرآنی را می‌توان به فرآیندهایی نظیر جهانی‌شدن نسبت داد. بر این اساس، جهانی‌شدن و به‌عبارتی جهانی‌سازی صورتی از تحول فرهنگی در سطح فراملی را بازنمایی می‌کند (ر.ک: اسکات، ۱۹۹۹؛ لچنر، ۲۰۴۴). به‌علاوه، چنان‌چه استفاده نظریه‌های نوسازی در اداره جامعه را به‌عنوان یکی از نیروهای مؤثر در تغییرات فرهنگی بدانیم آن‌گاه بررسی تحولات فرهنگی در چارچوب برنامه‌های توسعه اهمیت می‌یابد (ر.ک: روشه، ۱۳۶۶؛ واگو، ۱۳۷۳). البته پیامدهای طبیعی و القائی این دو مفهوم یعنی جهانی‌سازی و نوسازی در ادبیات رهبر انقلاب با مفاهیم دیگری از جمله تهاجم فرهنگی، نفوذ و... نیز معرفی شده‌اند که از این جهت، دایره جدیدی از نظریه‌ها را به ارمغان آورده‌اند.

نظریه قطبی‌شدن نیز می‌تواند به‌عنوان رویکردی در تقابل با جهانی‌شدن مستمسک قرار بگیرد (ر.ک: انتظاری، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۱). با توجه به این نظریه، فعالیت‌های قرآنی می‌تواند فعالیتی از جنس مقاومت در برابر جهانی‌شدن تلقی شود؛ چراکه فاصله گرفتن از فعالیت‌های قرآنی در جهت همگرایی با روندهای جهانی و غرق شدن در این فرآیندها قابل تفسیر است، و اقبال به این فعالیت‌ها به‌خاطر مخالفت و مقاومت در برابر فرآیندهای جهانی‌سازی در نظر گرفته می‌شود.

به بیان دیگر، در این بحث با چهار دسته از نظریه‌ها روبه‌رویم. دسته اول مباحثی که می‌کوشند جهانی‌شدن را به‌عنوان یک فرآیند طبیعی و گریزناپذیر که آموزه‌های اسلامی و قرآنی با آن منافاتی ندارند، معرفی کنند (ر.ک: کاظمی لطیف، ۱۳۸۸). دسته دوم

۱. Scott.

۲. Lechner.

می‌کوشند بر اساس گزاره‌های اسلامی - قرآنی نوعی جهانی‌شدن اسلامی را توصیف و تشریح کنند، تقریب مذاهب در جهان اسلام، مهدویت، و در سطحی بالاتر ارزش‌های مشترک انسانی مبنای این بحث را می‌سازد (ر.ک: کارشناس، ۱۳۹۵). برشمردن آسیب‌های فرهنگی - اجتماعی جهانی‌سازی، دسته سوم را تشکیل می‌دهد و از این طریق مقاومت در برابر آمریکایی‌سازی و غربی‌سازی جهان ضرورت می‌یابد (ر.ک: شمخی و همکاران، ۱۳۹۹). درنهایت، سخن گفتن از پدیده‌هایی مثل القاعده و داعش در دستور کار قرار می‌گیرد، گروه‌هایی که بر اساس خوانش‌های جدید و افراطی از دین و به‌ویژه قرآن به مبارزه با جهانی‌سازی پرداختند و در سراسر جهان اسلام یارگیری کرده‌اند:

۱۱ سپتامبر بیانیه آشکاری بود از اثربخشی جهاد جهانی‌شده [...] القاعده همان‌گونه که از جهانی‌شدن بهره برد، اینترنت را نیز جهت فرستادن پیام‌هایش، انتقال پول، تبلیغات و ترور خود به کار گرفت [...] همان‌طور که جهانی‌شدن بسیاری از کشورهای جهان را متأثر می‌سازد، پیروان و سلول‌های القاعده اکنون در بیش از ۶۰ کشور تأسیس شده‌اند (ر.ک: بخشایش اردستانی و مظلومی، ۱۳۹۲: ۵۴).

۲-۴. نظریه‌ها و مفاهیم مرتبط با دینداری

اگر از دیدگاهی کلان فعالیت‌های قرآنی را صرفاً یک عمل دینی تلقی کنیم، آن‌گاه مفاهیمی همچون مناسک‌گرایی و عرفی‌گرایی، موضوع سخن قرار خواهند گرفت. چگونگی اداره دستگاه‌های متولی فرهنگ نیز مفاهیمی همچون سازمان نهاد دین و منطق بوروکراتیک حاکم بر مؤسسات قرآنی را به ذهن متبادر می‌کند، مفاهیم قابل‌طرحی که در سطح خود روشن‌نگرند (ر.ک: شجاعی‌زند، ۱۳۹۳) اما نیاز به چشم‌اندازهای خرد را منتفی نمی‌سازند. برعکس، پرداختن به نظریه‌های سطح خرد، تحولات مرتبط با فعالیت‌های قرآنی را با بحث انواع دینداری، تعاریف و تغییرات آنها پیوند می‌زند (ر.ک: آزادارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱؛ حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴؛ فرجی و کاظمی، ۱۳۸۸). پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که به‌وجود آمدن انواع دینداری، تغییرات دینداری و تحولات مناسکی چطور می‌توانند فعالیت‌های قرآنی را تحت تأثیر قرار دهند؟ به‌علاوه، انعکاس تحولات فعالیت‌های قرآنی در چه سطوحی از دینداری شخصی یا اجتماعی قابل مشاهده است؟

در مطالعات مرتبط با دینداری غالباً رابطه این متغیر را با سایر متغیرها سنجیده‌اند (ر.ک: تبیک و همکاران، ۱۳۹۴). عموم مطالعات انجام شده که در حوزه روان‌شناسی هستند به بررسی تأثیر دینداری بر ویژگی‌های شخصیتی پرداخته‌اند (ر.ک: مرحمتی و خرمائی، ۱۳۹۷؛ ربانی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی مطالعات صورت گرفته در حوزه جامعه‌شناختی نیز شناسایی رابطه دینداری با کارکرد نهادهای اجتماعی مختلف (ر.ک: عبدالله‌پور و همکاران، ۱۳۸۸) و یا تأثیر دینداری بر رفتارهای اجتماعی - سیاسی طبقات مختلف مردم (ر.ک: یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۴) را پیگیری کرده‌اند.

کمتر مطالعات انجام شده در حوزه ارتباطات نیز به دعا - به‌عنوان عمیق‌ترین و پیچیده‌ترین اشکال ارتباطی - و نسبت آن با نوع دینداری توجه داشته و معتقدند آنچه در دعا از خداوند خواسته می‌شود نشانگر نوع دینداری است (بشیر و مؤذن، ۱۳۹۳: ۶۲). درواقع این مطالعات با پیروی از احادیث و تفکیک نیت افراد، سه نوع دینداری تاجران، بردگان و آزادگان را متمایز می‌کنند. همچنین، طالبی و براق‌علی‌پور در یک نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، دینداری و زیارت را به دو دسته کلی معرفت‌بنیاد - مکتبی، سنتی، روشنفکرانه و شبه‌روشنفکرانه - و غیرمعرفت‌بنیاد - مناسکی، مناسبتی و نوظهور - تقسیم کرده‌اند (طالبی و براق‌علی‌پور، ۱۳۹۴: ۱۰۰-۱۰۳).

در این میان محققانی هستند که با پذیرش تنوع و تکثر دینداری در زمانه کنونی از دوگانه دیندار یا بی‌دین بودن افراد خارج شده‌اند و بی‌شک با استفاده از نظریه زمینه‌ای و ابزار مصاحبه کوشیده‌اند صورت یا صورت‌هایی از دینداری‌های نوگرا را معرفی کنند. به‌عنوان نمونه، با تأکید بر معیار «خودتشخیصی» فرد دیندار، می‌توان به‌نوعی خاص از دینداری تحت عنوان «دینداری خودمرجع» اشاره کرد. در این سنخ که به‌طور عمده در میان جوانان شایع است دینداری به امری شخصی، غیرالزام‌آور، خصوصی، سلیقه‌ای، گزینشی و مبتنی بر تعقل و خرد فردی تبدیل می‌شود و ضمن نپذیرفتن دگرسالاری نهادهای دینی به سمت امری اقتضایی و لذت‌گرایانه سیر می‌کند (حسن‌پور و معمار، ۱۳۹۴: ۱۰۰).

بدین ترتیب چه‌بسا بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی با تأکید بر سه دسته مفاهیم مرتبط با اوقات فراغت، جهانی‌شدن و انواع دینداری امری محتمل بوده و تأثیر آن بر فعالیت‌های جمعی قرآنی قابل بررسی باشد.

۳. پرسش‌های تحقیق

مطابق آنچه گفته شد پرسش اصلی برآمده از تمهیدات نظری و مفهومی عبارت است از اینکه به‌طور کلی تغییرات اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی چه تأثیری بر فعالیت‌های جمعی قرآنی داشته است؟

همچنین پرسش‌های فرعی بدین شرح‌اند:

۱. نسبت فعالیت‌های جمعی قرآنی با فرآیندهای مرتبط با صنعت فرهنگ و هژمونی فرهنگی چگونه است؟
۲. حمایت دولت و انتساب فعالیت‌های قرآنی به نظام سیاسی چگونه می‌تواند بر فعالیت‌های جمعی قرآنی اثرگذار باشد؟
۳. آیا فعالیت‌های جمعی قرآنی را می‌توان اقدامی در جهت همگرایی با روندهای جهانی در نظر گرفت یا مخالفت و مقاومت در برابر آن؟
۴. به‌وجود آمدن انواع دینداری، تغییرات دینداری و تحولات مناسکی چطور می‌تواند فعالیت‌های جمعی قرآنی را تحت تأثیر قرار دهد؟

۴. روش تحقیق

در این مقاله که بر اساس رویکرد کیفی تهیه شده است از روش نظریه داده‌بنیاد بهره خواهیم برد (فلیک، ۱۳۸۸: ۴۶). در توضیح این انتخاب باید بدانیم که فقدان نظریه و در نتیجه عدم امکان کاربست آن از طریق فرضیه‌آزمایی، مهم‌ترین دلیلی است که محقق را از رویکرد کمی منصرف، و به‌سوی رویکرد کیفی متمایل کرده است. در گام دوم، روش گردآوری داده‌ها مطرح می‌شود که از این منظر، محقق به دلیل موقعیت موضوع، کمبود منابع و وجود ابهامات جدی در این زمینه به مصاحبه گرایش یافته است. استفاده از تکنیک مصاحبه برای گردآوری اطلاعات و بهره‌گیری از روش کدگذاری به‌عنوان روش تحلیل داده‌ها نکته دیگری بود که محقق را به سمت نظریه داده‌بنیاد متمایل کرده است.

در نظریه داده‌بنیاد، نمونه‌گیری با توجه به پرسش اصلی تحقیق و در فرآیند تحقیق انجام می‌گیرد و حالتی فزاینده دارد بدین معنا که عمق و تمرکز باید افزایش پیدا کند. همچنین نمونه‌گیری باید تاحدی انعطاف داشته و برنامه‌ریزی‌شده باشد؛ زیرا با توجه به رویه کدگذاری ممکن است تغییراتی داشته باشد (استراس و کوربین، ۱۳۹۰: ۱۷۶-۱۸۰). همچنین برای

تحلیل سخنان مصاحبه‌شوندگان و ارائه نتایج از روش تحلیل مضمون در فرآیند خلاصه‌سازی، مقوله‌بندی و بازسازی داده‌ها بهره گرفته شده است (صادقی و میرحسینی، ۱۳۹۳: ۳۴۹). بر این اساس در مقاله حاضر، نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده و کوشش می‌شود تا ویژگی‌های نمونه نظری را تضمین کند. حجم نمونه‌ها متغیر در نظر گرفته شده و تعداد نمونه منوط به زمانی است که اشباع نظری روی دهد. در این مقاله با ۲۰ نفر از افراد فعال، غیرفعال و نفراتی که فعالیت خود را کاهش داده‌اند مصاحبه شد. از افراد فعال ۱۰ نفر، غیرفعال ۳ نفر و افراد کمتر فعال نیز ۷ نفر انتخاب شدند که مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. جمعیت نمونه و مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند و با توجه به شناخت از جامعه قرآنی انتخاب شده است. با توجه به سن و مدت فعالیت، افراد منتخب برای مصاحبه در سه دسته قرار می‌گیرند: ۱. افرادی که سابقه فعالیت آنها به پیش از دهه ۱۳۶۰ بازمی‌گردد، ۲. افرادی که در دهه ۱۳۶۰ و ابتدای دهه ۱۳۷۰ فعالیت خود را آغاز کرده‌اند و ۳. افرادی که در اواخر دهه ۱۳۷۰ وارد عرصه فعالیت‌های جمعی قرآنی شده‌اند. نمونه مطالعه در این پژوهش شامل قاریان، حافظان و خادمان قرآن بود تا امکان بررسی همه ابعاد این فعالیت‌ها وجود داشته باشد.

۶۰

۵. یافته‌های پژوهش

تحلیل داده‌ها در نظریه داده‌بنیاد فرآیندی است که از ابتدای پژوهش آغاز می‌گردد و تا زمان گردآوری داده‌ها تداوم می‌یابد. مسیر استنباط مقولات از داده‌ها نیز روندی کاملاً ذهنی دارد که نقش پژوهشگر در شکل‌دهی و تقسیم‌بندی آنها بسیار حایز اهمیت است.

۵-۱. سیر تحول فعالیت‌های جمعی قرآنی از دهه ۱۳۷۰ تاکنون

مصاحبه‌شوندگان در مواجهه با پرسش ما در مورد وضعیت و سیر فعالیت‌های قرآنی از دهه ۱۳۷۰ تاکنون با استفاده از عبارتهای مختلف، پاسخ واحدی داده‌اند. در اینجا با کدگذاری داده‌ها درباره مفهوم کلی «وضعیت فعالیت‌های جمعی قرآنی از دهه ۱۳۷۰ تاکنون»، نقاط اشتراک پاسخ‌ها را به دست آورده و طیف‌های مفهومی را در ذیل آن تشکیل دادیم. همان‌طور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود با بررسی طیف‌های مفهومی و مراجعه مجدد به داده‌ها، به مقوله «کاهش شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های جمعی قرآنی در اواخر دهه ۱۳۸۰ و اوایل دهه ۱۳۹۰» دست یافتیم.

جدول ۲. کدگذاری داده‌ها در مورد وضعیت فعالیت‌های قرآنی

مفهوم	طیف‌های مفهومی	مقوله به دست آمده
فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی	کاهش کیفیت قاریان و حافظان	وقوع اوج فعالیت‌ها در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰
	کاهش تعداد افراد شرکت کننده	
	افزایش سطح توجه به مادیات و اصالت یافتن مسابقات	
	کاهش توجه و اهتمام سازمان‌ها و مسئولان قرآنی	
	از بین رفتن اولویت فعالیت‌های قرآنی برای خانواده‌ها	

طبیعی است چنانچه آمار و ارقام رسمی و قابل استناد در این زمینه وجود می‌داشت بسنده کردن به اظهار نظر افراد درباره کمیت فعالیت‌های قرآنی چندان موجه نبود. با وجود این در اظهارات مصاحبه‌شوندگان، نقطه اوج فعالیت‌های جمعی قرآنی، دهه ۱۳۶۰ و به خصوص دهه ۱۳۷۰ معرفی می‌شود و روند آن تا دهه ۱۳۸۰ نیز ادامه می‌یابد. «داود ج.» در این زمینه می‌گوید:

[اواخر دهه ۶۰ و اوایل ۷۰] تب آموزش قرآن با جواد فروغی پا گرفته بود، جریان حفظ قرآن هم به سید محمد حسین طباطبایی متصل شده بود... در دهه ۶۰ آقای بود به اسم وزیری، کارش این بود که می‌رفت در آموزش و پرورش و نخبه‌های قرآنی را جمع می‌کرد، من یادم هست که بالغ بر پانصد تا هزار نفر می‌آمدند در مهدیه آموزش ببینند... مسابقات در شهرهای مختلف می‌چرخید و [مسابقات] بین‌المللی معمولاً در حسینیّه ارشاد برگزار می‌شد که استقبالش بی‌نظیر بود... همه شهر می‌دانست که مسابقات است. حسینیّه که پر می‌شد هیچ، بیرون هم تجمع بود که بتوانند وارد شوند. یعنی حتی دیدن مسابقه قرآن جذابیت داشت.

«علی ق.» می‌گوید:

جلساتی که به‌عنوان جلسات آموزش قرآن در منازل، در مساجد، مسابقات و محافل قرآن [برگزار می‌شد] به‌طور کاملاً واضح اختلاف

استقبال در آن دهه [دهه ۷۰] در مقایسه با جلسات امروز، محافل و مسابقاتی که برگزار می‌کنند وجود دارد... مسابقات امسال، مقدماتی اوقاف... یواشکی، بدون هیچ تبلیغاتی، بدون هیچ خبری... تا وارد محل مسابقه نشدیم، نفهمیدیم که اینجا مسابقه قرآن است. رفتیم در محل، چهار یا پنج نفر خسته و مضطرب از استرس مسابقات، فضا کاملاً بی‌خبر از قرآن... یک مسابقه می‌گرفت سازمان اوقاف، سال ۷۸ را قشنگ یادم است، خودم بودم در رشته حفظ ۵ جزء که اول شدم، حسینیۀ فاطمیون در خیابان مجاهدین، مثل مور و ملخ آدم [بود] از در و دیوار آدم [می‌آمد] تا خیابان آدم می‌نشست.

از سوی دیگر، تصمیم‌های دولتی برای حمایت از فعالیت‌های جمعی قرآنی نیز در دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ شدت گرفته بود.
«محمدصادق ب.» معتقد است:

دهه ۷۰ من یک شور و هیجان خاصی در جلسه‌ها احساس می‌کردم. وقتی وارد جلسه می‌شدم استقبال قاریان و قاریان حرفه‌ای از جلسات خوب بود، عوام مردم و توده مردم هم حضورشان خوب بود... دهه ۸۰ هم بی‌شباهت به دهه ۷۰ نبود... اواخر دهه ۸۰ اگر به لحاظ آماری شاخص را تعداد شرکت‌کنندگان در نظر بگیریم، جلسات دچار رکود و بی‌حالی شد... اگر نموداری ترسیم کنیم [فعالیت‌های جمعی قرآنی] وضعیت نزولی دارد و در دهه ۹۰ هم از نظر کیفیت و کمیت افت را شاهد هستیم... حتی تلاوت‌ها حس و حالش کمتر شده است.

همچنین «داود ج.» گفته است:

در یک مقطعی از اواخر دهه ۷۰ تا سال ۸۳ و ۸۴، یک موج عظیمی برای گسترش قرآن شروع به فعالیت کرد. آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان دارالقرآن، وزارت ارشاد که دفتر داشت و بعد معاونت شد. آفت این آن بود که ما جلسات قرآنی داشتیم، به جای اینکه جلسات تقویت بشوند و تبدیل به مؤسسات بزرگ قرآنی شوند که بتوانند مردم بیشتری را پوشش دهند، کنار هر جلسه قرآن، مؤسسات قرآنی رشد کردند.

چنانچه از مصاحبه‌ها برمی‌آید در مجموع، فعالان قرآنی از کم‌وکیف مداخله دولت در فعالیت‌های قرآنی رضایت نداشته‌اند. به‌علاوه، بر اساس داده‌های جمع‌آوری‌شده، دهه ۱۳۷۰ و نیمه اول دهه ۱۳۸۰ دوران رونق و شکوفایی فعالیت‌های جمعی قرآنی بوده است. برخی پاسخ‌دهندگان، دهه ۱۳۸۰ را نیز ذیل دوران افول می‌دانستند اما با تجزیه و تحلیل توضیحات آنها درباره دهه ۱۳۸۰ چنین به نظر می‌رسد که منظور آنها نیمه دوم این دهه بوده است. به‌رحال برآیند داده‌ها این‌طور نشان می‌دهد که حداقل نیمه اول دهه ۱۳۸۰ نیز در دوره شکوفایی فعالیت‌های قرآنی قرار دارد.

یکی از نکاتی که در مصاحبه‌های انجام‌شده قابل تأمل می‌بود، مطلبی درباره فعالیت‌های جمعی قرآنی زنان بود. «سیدمحسن م. ب.» جلسه آموزش قرآنی را اداره می‌کند که مخاطبان آن بانوان هستند. وی اشاره می‌کند:

در سال‌های دهه ۷۰ و پیش از آن فعالیت زنان در حوزه قرآن بسیار محدود بوده است. با اینکه مجموع فعالیت‌های جمعی قرآنی در دهه ۸۰ و به کاهش بود ولی فعالیت زنان در این دهه به‌شدت افزایش داشته است. جلسات من که در منزل شخصی‌ام برگزار می‌شود ابتدا فقط زنان خانواده خودمان شرکت می‌کردند ولی الان جمعیت زیادی حضور پیدا می‌کنند.

برخی فعالان قرآنی درباره افزایش تعداد مؤسسات آموزش قرآن به نکات مهمی اشاره می‌کنند. "داود ج." از فعالان قرآنی که حدود ۳۰ سال سابقه فعالیت دارد علت افزایش تعداد مؤسسات را رقابت دو نهاد قرآنی برای افزایش آمار مؤسسات تحت پوشش خود دانسته و از آن تحت عنوان «تکثیر بی‌رویه مؤسسات قرآن» یاد می‌کند.

همچنین «حسن م.» از فعالان قرآنی و مشغول به کار در نهادهای قرآنی می‌گوید:

از حدود چند هزار مؤسسه ثبت‌شده در آن نهاد تنها ۱۰۰۰ مؤسسه فعال هستند و گزارش سالیانه از فعالیت‌هایشان ارائه می‌دهند.

در سال‌های اخیر و طی فرآیندی تدریجی مجموعه فعالیت‌های قرآنی با کاهش مخاطب روبه‌رو شده است. در نتیجه مجموعه فعالیت‌های قرآنی به‌جز تعداد کمی از جلسات قرآنی که به روش سنتی برگزار می‌گردند، با ریزش حضاران و فعالان مواجه است. جلسات اساتید بنام و مشهور در عرصه فعالیت‌های قرآنی نیز از این قاعده مستثنی نبوده است و برخی جلسات که در

سال‌های دهه ۱۳۷۰ و حتی دهه ۱۳۸۰ با حضور دویست تا سیصد نفر از فعالان قرآنی برگزار می‌شدند در سال‌های کنونی با جمعیتی کمتر از یکصد نفر به حیات خود ادامه می‌دهند. «محسن م. ب.» تأکید دارد:

جلسه خود من با کاهش شدید جمعیت مواجه شده است. زمانی که جلسه من در مؤسسه ... بود جا برای نشستن نبود و حتی جلوی درب و راهرو پر از جمعیت بود ولی حالا حسینیه پر نمی‌شود. این وضعیت در سایر جلسات نیز به چشم می‌خورد.

وضعیت در سایر فعالیت‌های قرآنی نیز به همین شکل است. به‌عنوان نمونه، در مسابقات قرآن ناحیه غرب تهران که در تیرماه ۱۳۹۸ توسط سازمان اوقاف برگزار شد تعداد حاضران و شرکت‌کنندگان حدود ۲۰ نفر بود. نگارنده در این مسابقات در رشته ترتیل شرکت کرده بود و تعداد کل شرکت‌کنندگان در این رشته نیز از ۱۰ نفر تجاوز نمی‌کرد. گفتنی است که مسابقات اوقاف به‌عنوان مهم‌ترین مسابقات قرآنی کشور شناخته می‌شود؛ چراکه این مسابقات تا مرحله کشوری ادامه دارد و برگزیدگان آن به‌عنوان نمایندگان جمهوری اسلامی ایران به مسابقات بین‌المللی قرآن در کشورهای مختلف اعزام می‌شوند.

آنچه گفته شد وضعیت کلی فعالیت‌های جمعی قرآنی است، اما اشاره به مواردی از فعالیت‌های قرآنی که به‌نوعی با شرایط حاکم متفاوتند نیز خالی از لطف نیست. جلسات قرآنی استادان سیدمرتضی فاطمی‌نیا در مشهد، غلامرضا شاه‌میوه در اصفهان، احمد ابوالقاسمی و سعید حاجیان در تهران از جمله جلسات پررونق هستند. همچنین مسابقاتی که توسط دارالقرآن امام علی علیه السلام و خارج از چارچوب مسابقات رسمی برگزار می‌شود با استقبال کم‌نظیری از اقشار مختلف مردم مواجه می‌شود. در این مسابقات بالغ بر پنج‌هزار نفر از سراسر کشور ثبت‌نام کرده بودند و مسابقات حدود یک هفته به طول انجامید. همچنین این مسابقات در دو بخش آقایان و بانوان برگزار گردید (ر.ک: قدس‌آنلاین، ۱۳۹۷).

برخی محافل قرآنی که با حضور آقایان حامد شاکرنژاد و سیدجواد حسینی برگزار می‌گردد نیز با حضور جمعیت نسبتاً زیادی همراه است. در فضای مجازی ویدئوهای کوتاه از تلاوت آقایان شاکرنژاد و حسینی با استقبال زیادی مواجه شده و گاهی تا چندصد هزار بازدید داشته است.

۵-۲. زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی

با نظر به اطلاعات گردآوری شده و همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب کدگذاری باز و محوری می‌توانیم چنین ادعا کنیم که فعالیت‌های جمعی قرآنی هم‌اکنون دچار افول شده است و به لحاظ مخاطب و شرکت‌کننده دچار روندی کاهشی هستیم. حال با توجه به اطلاعات و داده‌های موجود باید زمینه‌ها و عوامل فرهنگی و اجتماعی این روند نزولی را بررسی کنیم. پس از چند مرحله کدگذاری داده‌ها و دسته‌بندی مفاهیم استخراج شده از آنها، به تعدادی مقوله دست یافتیم که می‌تواند زمینه‌های افول فعالیت‌های جمعی قرآنی را به صورتی توضیح دهد. در ادامه پس از مرور مقوله‌های به دست آمده، به توضیح همه موارد می‌پردازیم و همراه تشریح مقوله‌هایی که به عنوان زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی در نظر گرفته شده‌اند، نکات عینی و انضمامی مورد اشاره مصاحبه‌شوندگان را بیان می‌کنیم.

جدول ۳. کدگذاری عوامل مؤثر بر کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی

مفهوم	طیف‌های مفهومی	مقوله به دست آمده
عوامل کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی	افزایش هزینه‌های زندگی	اهمیت یافتن مسائل اقتصادی در جامعه
	بروز مشکلات اقتصادی	تغییر اولویت‌های خانواده‌ها
	اولویت نداشتن آموزش قرآن برای خانواده‌ها	توسعه زمینه‌های فراغتی فردگرایانه
	گسترش تفریحاتی مانند سینما، تئاتر و...	
	افزایش موسیقی‌های جدید	

مهم‌ترین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی افول فعالیت‌های قرآنی با توجه به مصاحبه‌های انجام شده در سه مورد قابل جمع است:

۱. فعالیت‌های قرآنی از اولویت خانواده‌ها خارج شده است؛
۲. زمینه‌های فراغتی جدیدی به وجود آمده است؛
۳. مسائل اقتصادی در جامعه اولویت پیدا کرده‌اند.

۵-۲-۱. رجحان‌یابی مهارت‌آموزی نظیر زبان انگلیسی و ورزش برای والدین

اگرچه شیوه تشویقی خانواده‌ها متفاوت بوده است اما همه مصاحبه‌شوندگان یکی از عوامل جذب خود به فعالیت‌های قرآنی را "خانواده" معرفی کرده‌اند و اصولاً نقش خانواده

در ترغیب به هر نوع فعالیتی غیرقابل انکار است. در این شرایط در دهه ۱۳۸۰ به تدریج وضعیتی پدید آمد که فعالیت قرآنی از اولویت خانواده‌ها خارج شد. بنابراین هنگامی که فعالیت قرآنی در خانواده‌ای به عنوان یک امر غیرمهم و بی‌اهمیت تلقی گردد، احتمالاً هیچ‌یک از اعضا تمایلی برای فعالیت در این عرصه را نخواهند داشت.

«سعید ح.» که جلسات متعدد آموزش قرآن دارد، می‌گوید:

خانواده‌ها درگیر مسائل مختلفی از جمله، مسائل اقتصادی، تحصیل، کار و... هستند و قرآن اصلاً در میان مسائل آنها جایگاهی ندارد.

همچنین «منصور ط.» که سابقه فعالیت در آموزش و پرورش را دارد از کاهش ساعات آموزش قرآن در مدارس غیرانتفاعی اسلامی و مذهبی خبر می‌دهد و می‌گوید:

ساعات آموزش قرآن در مدارس غیردولتی چهار ساعت بود ولی اکنون همان دو ساعت مقرر وزارت آموزش و پرورش است. حتی کلاس‌های فوق‌العاده‌ای که برای قرآن برگزار می‌گردید به دلیل عدم استقبال، تعطیل شده و خانواده‌ها تقاضای کلاس‌های زبان و ورزش دارند.

بنابراین در رونق بخشیدن به فعالیت‌های قرآنی، خانواده می‌تواند به عنوان بازیگر اصلی شناخته شود؛ زیرا اگر همه شرایط مهیا باشد اما خانواده میل و رغبتی به مشارکت در این فعالیت‌ها نداشته باشد، در عمل توفیق چندانی حاصل نخواهد شد.

۲-۵. گرایش به زمینه‌های فراغتی نوین فردگرایانه میان فرزندان

در جامعه امروز زمینه‌های گذران اوقات فراغت بسیار گسترش یافته است؛ زمینه‌هایی که برای جذب مخاطب با یکدیگر مشغول رقابت هستند. رشد و گسترش رسانه‌های جدید، اینترنت، فضاهای ورزشی و امکانات فراغتی در جامعه متحول شده‌اند.

همچنین فعالیت‌های جمعی قرآنی در گذشته با محله‌ها و درون آنها معنا پیدا می‌کرد. چنان‌که در دهه‌های ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ مسابقات قرآن بین محلی توسط مساجد برگزار می‌گردید که بسیار مورد استقبال قرار می‌گرفت. همچنین در دهه ۱۳۸۰ مسابقات بین جلسات توسط سازمان تبلیغات اسلامی برگزار گردید که تعداد زیادی از فعالان قرآنی در سنین مختلف در آن حضور داشتند.

«محلّه» به‌عنوان یکی از مفاهیم کلیدی در نظریه‌های گذران اوقات فراغت مورد بحث بوده است اما در جامعه مدرن از اهمیت محلّه کاسته شده و اوقات فراغت صورتی فردی یافته است.

«ابراهیم آ.» می‌گوید:

در آغاز فعالیت‌های قرآنی با بچه‌های محل به جلسات قرآن می‌رفتیم و بین هم‌محلّی‌ها رقابت برای کسب رتبه در مسابقات و اینکه از دیگران بهتر بخوانیم همیشه عامل تحرک و تلاش ما بود. اما الآن محلّه‌ها از بین رفته.

در سال‌های دهه ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰ به‌واسطه حضور خانواده‌ها و دوستان، شرکت در فعالیت‌های قرآنی صورتی آموزشی - فراغتی داشت. به بیان دیگر، جلسات آموزش قرآن دارای تفکیک دقیقی میان شرکت‌کنندگان نبود و هم‌زمان در یک کلاس والدین، فرزندان و حتی خویشان‌اندان نیز حضور داشتند و از این‌رو نوعی سرگرمی در خلال فعالیت قرآنی جریان داشت.

۳-۲-۵. اولویت‌یابی مسائل اقتصادی به امور تربیتی برای خانواده‌ها

هنگامی که مسائل اقتصادی برای خانواده‌ها اولویت می‌یابد، کنشگری والدین عمدتاً سمت‌وسوی مادی یافته و موفقیت اقتصادی به هدف اصلی و اولیّه آنها مبدل می‌شود که در نتیجه، فرصت‌چندانی برای شرکت و حضور والدین در جلسات و محافل قرآنی و همراهی با فرزندان در این جلسات باقی نمی‌ماند. کنار گذاشتن اولویت شرکت در فعالیت‌های جمعی قرآنی در دوره پیدایش مسائل و مشکلات اقتصادی، پیامد دیگر این مسئله است. در این چارچوب، مسائل و مشکلات اقتصادی از عواملی است که به‌طور مستقیم بر فعالیت‌های جمعی قرآنی اثرگذار بوده است. جلسات سنتی آموزش قرآن در گذشته به‌صورت رایگان برگزار می‌شد و هم‌اکنون نیز جلساتی که با همان شیوه در مساجد یا منازل برگزار می‌شوند بدون هزینه‌اند اما برای حضور در کلاس‌های آموزش مؤسسات قرآنی باید هزینه پرداخت.

«منصور ط.» که سال‌ها در یکی از مؤسسات قرآنی مشغول به فعالیت بوده است درباره

شهریه کلاس‌ها می‌گوید:

شهریه کلاس‌های قرآن بالا رفته است و خانواده‌ها گاهی توان پرداخت ندارند و به‌طور کلی دریافت هزینه برای کلاس قرآن موجب مشکلاتی می‌شود.

همچنین «حمید م.» مدیر یکی از مؤسسات قرآنی بیان می‌کند:

در مؤسسه ما هم کلاس قرآن برگزار می‌شود و هم کلاس‌های مهارتی مثل زبان و نقاشی. تعداد ثبت‌نام در حال حاضر به دلیل مشکلات مالی کاهش بسیاری دارد و این کاهش در کلاس‌های قرآن خیلی بیشتر است.

علاوه بر مسائل و مشکلات اقتصادی که مانع حضور مردم در فعالیت‌های جمعی قرآنی می‌شود، این مسائل بر رفتارهای فعالان قرآنی نیز اثراتی داشته است. «ابراهیم آ.» در این باره می‌گوید:

زمانی که فرد برای گذران زندگی و امرار معاش خود باید دو شیفت کار کند، قطعاً توان ندارد که زمانی را به فعالیت قرآنی اختصاص دهد، مسئولان باید نخبگان و استادان قرآنی را به‌لحاظ مالی تأمین کنند که استاد بدون دغدغه اقتصادی فعالیت قرآنی خود را انجام دهد.

۵-۳. شرایط میانجی

یکی از مقوله‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌ها، تغییرات دینداری در میان مردم بود. این مقوله می‌تواند به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر کاهش فعالیت‌های قرآنی باشد، اما با توجه به آنچه در چارچوب مفهومی راجع به گستردگی این مقوله گفته شد، نمی‌توان آن را در یک بخش از مدل پارادایمی جای داد. از این‌رو تغییرات دینداری را به‌عنوان عامل میانجی در تحلیل قرار دادیم. بنابراین تغییرات دینداری هم می‌تواند به‌عنوان عاملی اثرگذار بر کاهش فعالیت‌های قرآنی تلقی شود و هم به‌مثابه پیامد کاهش فعالیت‌های قرآنی، تبیین گردد. به بیان دیگر، این مقوله امکان قرار گرفتن در بخش‌های مختلف مدل پارادایمی و تحلیل نهایی را دارد که از این‌رو به‌عنوان عاملی مستقل که مهیاکننده شرایط برای شکل‌گیری پدیده اصلی است مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول ۴. کدگذاری عامل میانجی

مقوله به دست آمده	مفاهیم مطرح شده
تغییرات دینداری	اهمیت یافتن هیئت‌های مذهبی
	استقبال گسترده جوانان از مداحی
	گسترش عرفی شدن در جامعه

این نکته که در جامعه ایرانی، دینداری با تغییراتی مواجه است، مسئله‌ای مورد تأیید غالب محققان می‌باشد. این تغییرات در دینداری به نوعی بر فعالیت‌های جمعی قرآنی نیز اثر داشته است. برخی هم از منازعه علم و دین سخن به میان می‌آورند و با این مفهوم به توضیح تغییرات می‌پردازند.

«ابراهیم آ.» معتقد است:

در کشورهای خارجی، خودتون در فیلم‌ها هم می‌بینید که اونجا هم بی‌دینی رواج پیدا کرده است... در دین خرافه‌هایی به وجود می‌آید که وقتی علم پیشرفت کرد، می‌بینند که این چیزها خرافه بوده... [به همین واسطه] اینها از دین روی گردان شدند... در کشور خودمان هم یک جوانی وارد کامپیوتر و اینترنت می‌شود مسائل علمی را می‌بیند، فکر می‌کند که آن علم تمام نیازهایش را برطرف می‌کند و فکر می‌کند احتیاجی به دین ندارد.

«ابراهیم آ.» در مورد تغییرات دینداری، عرفی شدن و کاهش سطح دینداری می‌گوید:

در همه جوامع تغییرات دینداری به وجود آمده و مردم در کل کمتر دیندار هستند. در اروپا و کشورهای خارجی دینداری به شدت با مشکل مواجه است و به ایران نیز سرایت کرده است.

با توجه به داده‌های جمع‌آوری شده از مصاحبه‌ها و مشاهده‌های نگارنده، به نظر می‌رسد افرادی با سطوح مختلف دینداری ممکن است در فعالیت‌های قرآنی شرکت کنند. البته بدیهی است حضور افراد به اصطلاح مذهبی (با سطح دینداری بالا) در فعالیت‌های قرآنی بیشتر است. با این توضیحات، پرسش این است که چرا حضور افراد متدین و دیندار در این فعالیت‌ها نیز کاهشی می‌باشد؟

پاسخ به این پرسش ممکن است پیچیدگی‌هایی داشته باشد. در تشریح این مسئله، دو نکته معقول و منطقی توسط مصاحبه‌شوندگان مورد تأکید قرار گرفت؛ اول اینکه پررنگ شدن هیئت‌ها و مداحان و دوم، کاهش علاقه به قرآن. برجسته شدن هیئت‌ها و توجه روزافزون به مداحان یکی از مهم‌ترین تغییراتی است که به‌سادگی می‌توان نشانه‌های آن را مشاهده کرد مثلاً امروزه غالب هیئت‌های مطرح کشور با نام مداح ثابتی که در آن هیئت حضور دارد، شناخته می‌شوند نه روحانیون مدعو. تلاوت قرآن در مساجد و هیئت‌ها نیز وضعیتی حاشیه‌ای دارد که روی دیگر اقبال جوانان به مداحی است.

«احد ا. م.» در این باره می‌گوید:

هیئت‌های مذهبی در گذشته این‌قدر زیاد نبودند و بیشتر جلسات آموزش قرآن وجود داشت، در هیئت‌های قدیم و ریشه‌دار هم قسمت عمده‌ای تلاوت قرآن بود و بعد سخنرانی و درنهایت نیم‌ساعت هم روضه و سینه‌زنی، اما الآن همه هیئت سینه‌زنی است، حتی سخنرانی هم تحت تأثیر مداحی قرار گرفته است.

۷۰

۵-۴. شرایط زمینه‌ای مؤثر بر فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی

در بخش قبلی به زمینه‌ها و عوامل افول فعالیت‌های جمعی قرآنی در دهه ۱۳۹۰ پرداخته شد اما نمی‌توان ادعا کرد که به‌طور قطع همان چند عامل، دلیل رکود و کم‌رونی فعالیت‌های قرآنی هستند. در خلال مصاحبه‌های انجام‌شده، مصاحبه‌شوندگان به نکاتی اشاره کرده‌اند که اگرچه نمی‌توان آنها را از علت‌های اصلی کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی دانست ولی نادیده گرفتن این نکات نیز سبب انحراف و نقص در تحلیل پدیده می‌شود. موارد اشاره شده از سوی مصاحبه‌شوندگان پس از تحلیل و کدگذاری به‌عنوان شرایط مداخله‌گر یا عوامل اثرگذار مورد تحلیل قرار گرفت. در ادامه به بررسی شرایطی می‌پردازیم که به‌طور غیرمستقیم بر فعالیت‌های جمعی قرآنی اثرگذار بوده‌اند یا باعث تشدید و تقویت علت‌های اصلی کاهش رونق این فعالیت‌ها شده‌اند. شرایط و عواملی که به تدریج رشد کرده‌اند و هم‌اکنون به‌عنوان یک امر بدیهی تصور شده و راه را برای تغییر و اصلاح، ناهموار می‌سازند.

جدول ۵. کدگذاری شرایط مداخله‌گر بر فعالیت‌های جمعی قرآنی

مقوله به دست آمده	طیف‌های مفهومی
حمایت مادی و معنوی	وضعیت حمایت مادی و معنوی از فعالان قرآنی
	نحوه برخورد با استادان و پیشکسوتان قرآنی
تبلیغ و ترویج	عملکرد رسانه‌ها در معرفی قرآن و فعالیت‌های قرآنی
	معرفی و میزان شناخت جامعه از نخبگان قرآنی
	برخورد و اهتمام عالمان دینی و حوزه‌های علمیه نسبت به فعالیت‌های قرآنی
	میزان آگاهی مردم درباره فعالیت‌های قرآنی
	کمیت و کیفیت استفاده از فضای مجازی و از جمله شبکه‌های اجتماعی برای معرفی، ترویج و توسعه فعالیت‌های قرآنی
ناکارآمدی رسانه‌های قرآنی	فقدان برنامه‌های جذاب
	ناتوانی شبکه قرآن در جذب مخاطب دائمی حتی از میان فعالان قرآنی
	محقق نشدن اهداف شبکه قرآن
چالش‌های سیاستگذاری	وضعیت بهره‌برداری از دیدگاه‌ها و نظرات فعالان قرآنی در تصمیم‌گیری‌ها
	کیفیت سوابق فعالیت قرآنی مسئولان و سیاستگذاران حوزه قرآن
	نحوه تعامل و هماهنگی سازمان‌ها و نهادهای قرآنی مربوطه با یکدیگر
اهمیت وافر کسب رتبه	اهمیت دادن صرف به نفرات برتر مسابقات
	نبودن برنامه‌ای برای بعد از کسب رتبه
	از دست رفتن روح تربیتی - اخلاقی مسابقات

۱-۴-۵. کافی نبودن حمایت‌های مادی و معنوی از فعالیت‌های جمعی قرآنی

مصاحبه‌شوندگان در مورد حمایت نکردن از فعالیت‌های جمعی قرآنی به موارد متعددی اشاره کرده‌اند.

«ابراهیم آ.» در این باره می‌گوید:

حدود بیست‌سال که جلسه آموزش قرآن را در خانه‌ها، مساجد و مؤسسات قرآنی اداره می‌کنم، فردی از نهادهای قرآنی در این جلسات حاضر نشده و به تعبیری حتی یک خسته نباشید هم نگفته‌اند.

به طور طبیعی بسیاری از فعالان قرآنی معتقدند حمایت لزوماً مادی نیست و سایه انداختن مادیات بر فعالیت‌های قرآنی خود از عوامل رکود است. «علی‌اکبر م.» از استادان و فعالان قرآنی معتقد است:

فعالیت قرآنی یک سبک زندگی خاص دارد و یکی از ویژگی‌های آن ساده‌زیستی و بی‌رغبتی به مسائل مادی است و پررنگ شدن مسائل اقتصادی در فعالیت قرآنی عامل انحراف این فعالیت‌هاست.

اگرچه پررنگ شدن مباحث اقتصادی در فعالیت‌های قرآنی امر مثبتی نیست اما افزایش و کاهش بودجه سازمان‌ها و نهادهای قرآنی در دوره‌های مختلف امری است که می‌تواند مورد توجه قرار بگیرد. به‌عنوان نمونه، بودجه فعالیت‌های قرآنی در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال قبل حدود ۷۳ درصد کاهش داشته است (ر.ک: مشرق‌نیوز، ۱۳۹۷) که مورد انتقاد نمایندگان مجلس نیز قرار گرفت. کاهش بودجه قرآنی در سال‌های اخیر امری معمول بوده است و هر سال در این باره بحث‌های زیادی شکل می‌گیرد (ر.ک: مشرق‌نیوز، ۱۳۹۶). حسن محمدی (۱۳۹۶)، مدیرعامل اتحادیه تشکل‌های مردمی قرآنی کشور، کاهش بودجه قرآنی در دهه ۱۳۹۰ را نشانه مهجوریت قرآن در میان مسئولان کشور می‌داند. کاهش بودجه و عدم تخصیص آن قطعاً برنامه‌های سازمان‌ها و نهادهای قرآنی را تحت تأثیر قرار داده و موجب ناتوانی در حمایت از فعالیت‌های جمعی قرآنی می‌گردد.

۲-۴-۵. کم‌توجهی درباره تبلیغ و ترویج فعالیت‌های جمعی قرآنی

از داده‌های جمع‌آوری شده و مشاهدات چنین برمی‌آید که بسیاری از مردم و حتی علاقمندان قرآن از فعالیت‌های جمعی قرآنی آگاهی ندارند یا اطلاعاتشان محدود است. به نظر مصاحبه‌شوندگان، معرفی نشدن نخبگان و قهرمانان قرآنی از عواملی است که سبب می‌شود اولاً مردم از وجود چنین افرادی آگاهی پیدا نکنند. ثانیاً در میان مردم ایجاد انگیزه نمی‌شود. این در شرایطی است که اواخر دهه ۱۳۶۰ و اوایل دهه ۱۳۷۰ تلاوت‌های نوجوانی به‌نام جواد فروغی به‌طور گسترده از رسانه ملی پخش می‌شد و این قاری نوجوان در میان علاقمندان قرآن و عموم مردم به‌عنوان یک نابغه قرآنی معرفی شده بود و همین ماجرا موجبات جذب جوانان و نوجوانان و تشویق خانواده‌ها برای شرکت در فعالیت‌های قرآنی بود.

«منصور ط.» اشاره می‌کند که معرفی جواد فروغی در دهه ۱۳۷۰ از مهم‌ترین عوامل تشویق خود او برای فعالیت قرآنی بوده است. همچنین «داود ج.» نیز می‌گوید:

نوجوانان بسیاری در دهه ۷۰ مثل جواد فروغی تلاوت‌های زیبایی ارائه می‌دادند جواد فروغی در آن زمان سلبریتی قاریان شده بود و فضای رقابت بسیار خوبی در میان قاریان نوجوان ایجاد کرده بود.

بنابراین صاحب‌ه‌شوندگان بر این نکته که تبلیغ و ترویج قرآن در جامعه بسیار کم است تأکید بسیاری داشته و همین موضوع را از دلایل کم‌رونقی فعالیت‌های جمعی قرآنی دانسته‌اند. در معرفی و تبلیغ فعالیت‌های قرآنی نمی‌توان نقش رسانه‌ها را نادیده گرفت، کم‌اینکه معرفی جواد فروغی، سیدمحمدحسین طباطبایی^(۱۸) و کریم منصور که از مشهورترین فعالان قرآنی هستند توسط رسانه‌ها صورت گرفته است.

سیدمحمدحسین طباطبایی که در سن پنج‌سالگی حافظ کل قرآن کریم بود در دهه ۱۳۷۰ به‌عنوان نابغه قرآنی معرفی گردید و حتی تصاویر او در فروشگاه‌های مذهبی به فروش می‌رسید، به کشورهای مسلمان زیادی دعوت می‌شد و به تلاوت قرآن کریم می‌پرداخت (ر.ک: باشگاه خبرنگاران جوان، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، نقش فعالان مذهبی همچون ائمه جماعات، مسئولان هیئت‌های مذهبی و علمای دینی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

"احد ا. م." که سابقه فعالیت قرآنی‌اش به قبل از انقلاب بازمی‌گردد، معتقد است:

هنگامی که یک جلسه قرآن در مسجد برگزار می‌شود و امام جماعت بلافاصله بعد از نماز از مسجد خارج می‌شود و توفیق شرکت در جلسه قرآن را ندارد، قطعاً مردم حاضر در مسجد نیز سست خواهند شد.

"امیر ه. م." نیز در یک مورد خاص، یکی از دلایل تداوم یافتن جلسه آموزش قرآن خود را اهتمام و توجه امام جماعت مسجد معرفی می‌کند و معتقد است قرائت زیبای امام جماعت مسجد می‌تواند از عوامل جذب مردم به قرآن باشد.

۳-۴-۵. ناکارآمدی رسانه‌های قرآنی و فقدان نگرش راهبردی در این حوزه

منظور از رسانه‌های قرآنی در این نوشتار «شبکه قرآن سیما» و همچنین شبکه‌های

رادیویی «قرآن» و «تلاوت» است که نحوه عملکرد و اثرگذاری آنها مورد توجه مصاحبه‌شوندگان بوده و چند سالی هست که فعالیتشان را آغاز کرده‌اند. این شبکه‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رسانه‌های قرآنی در سطح کشور مطرح هستند، برنامه‌های قرآنی را پوشش می‌دهند و در جهت تبلیغ و ترویج قرآن و فعالیت‌های قرآنی می‌کوشند.

«محمدصادق ب.» می‌گوید:

در برنامه‌های رسانه قرآنی برنامه جذاب تولید نشده، محتوای برنامه‌ها هم تکرار مکررات است و به همین جهت مخاطب قرآنی هم کمتر به این رسانه‌ها رجوع می‌کند.

دو شبکه تلویزیونی و رادیویی قرآن در سال‌های آغاز فعالیت خود، با توجه به کمبود محتوای قرآنی و عدم دسترسی عموم مردم به تلاوت‌های اساتید برجسته قرآن، مورد استقبال بسیاری قرار گرفتند. طبق نظر همه مصاحبه‌شوندگان، رادیو قرآن و به‌طور خاص شبکه قرآن جهشی بزرگ را در فعالیت‌های قرآنی ایجاد کردند و نقش عمده‌ای در جذب و تشویق مردم برای شرکت در این فعالیت‌ها داشتند. از سوی دیگر، این دو شبکه به‌واسطه پخش تلاوت‌های اساتید مصری برای تأمین محتوای مورد نیاز فعالان قرآنی نیز اثرگذار بودند. اما شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی قرآن با انتقادهایی نیز روبه‌رو هستند از جمله انحراف مسیر شبکه قرآن از اهداف و وظایف خود است.

«امیر ه. م.» که سابقه مدیریت در شبکه قرآن را دارد، معتقد است:

هدف‌گذاری و برنامه‌ریزی‌هایی که برای شبکه قرآن انجام شده بود به‌درستی انجام نشد. متأسفانه بیشتر مدیران شبکه قرآن از اهالی قرآن نیستند و این یکی از عوامل انحراف از مسیر بود.

انتقادهای دیگری که به این رسانه‌های قرآنی وارد می‌شود مربوط به تولید برنامه‌هاست. مصاحبه‌شوندگان معتقدند برنامه‌های شبکه قرآن به‌طور دایم تکرار می‌شود و ایده جذاب و خلاقیت در آنها وجود ندارد.

یکی دیگر از نکاتی که هم در جمع‌آوری داده‌ها به آن اشاره شد و هم در رسانه‌ها بیان شده، انحصار قرآن و برنامه‌های قرآنی در یک شبکه خاص است.

محسن موسوی بلده از استادان پیشکسوت درباره شبکه قرآن می‌گوید:

صداوسیما عمدتاً برنامه‌های قرآنی شبکه‌ها را به رادیو و سیمای قرآن تبعید کرده است. در واقع می‌گوید قرآن می‌خواهید، بزنید رادیو قرآن و سیمای قرآن. اما در مورد ورزش چنین نیست. مگر یک شبکه مستقل ۲۴ ساعته ورزش نداریم؟ پس چرا باز هم در شبکه یک و سه و خبر و اخبار سراسری و... به ورزش پرداخته می‌شود؟ (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۷).

بنابراین عدم پخش برنامه‌های قرآنی و جلسات تلاوت قرآن در شبکه‌های مختلف رسانه ملی به‌نوعی ذائقه مردم را تحت تأثیر قرار داده و آشنایی و آگاهی ایشان را به فعالیت‌های جمعی قرآنی تخفیف داده است.

پخش برنامه‌های قرآنی در شبکه‌های مختلف به ماه مبارک رمضان منحصر شده است که طی آن مراسم ترتیل‌خوانی در بقاع متبرکه از رسانه ملی پخش می‌شود. همچنین تلاوت‌های اذان که از همه شبکه‌ها پخش می‌شود به دلیل تقطیع و کوتاه شدن فاقد جذابیت است. آنچه در مورد تلاوت‌های اذان تجربه شده، این است که این تلاوت‌ها حتی در خانواده‌های مذهبی و قرآنی نیز کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

در درون رسانه‌های قرآنی نیز تمرکز بر برنامه‌های معارفی - پخش سخنرانی مذهبی - و کم‌توجهی به پخش تلاوت‌های جذاب قاریان سبب ریزش مخاطبان این شبکه‌ها گردیده است. درمقابل رادیو تلاوت، تحول بزرگی را در عرصه رسانه‌های قرآنی ایجاد کرده و با توجه به سلیقه‌های متفاوت، تلاوت قاریان بزرگ جهان اسلام را پخش می‌کند.

۴-۴-۵. چالش‌های سیاستگذاری حوزه قرآن

یکی از شرایط مداخله‌گر در افول فعالیت‌های جمعی قرآنی به مقوله سیاستگذاری مرتبط می‌شود. بنابر داده‌های جمع‌آوری شده، فعالان قرآنی در سیاستگذاری‌های قرآنی کمتر حضور مؤثر دارند و تصمیم‌گیری‌های مربوط به گونه‌های متنوع فعالیت‌های قرآنی توسط افراد غیرمتخصص اتخاذ می‌شود.

«احد ا. م.» در این باره می‌گوید:

در سازمان‌ها و نهادهای قرآنی حرف استادان قرآنی شنیده نمی‌شود و عملاً از استادان و پیشکسوتان استفاده نمی‌شود.

در این چارچوب، تصور می‌شود روحانیون و نیز فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های علوم قرآن و حدیث از صلاحیت علمی و حرفه‌ای لازم برای مدیریت و سیاست‌گذاری فعالیت‌های جمعی قرآنی برخوردارند. این در حالی است که در رشته‌های مزبور عمده ارتباط متون درسی با مباحث قرآنی مربوط به تفسیر، استنباط احکام و... است و به خصوص فارغ‌التحصیلان دانشگاهی این رشته‌ها بعضاً مهارت‌های لازم برای تلاوت قرآن را نیز ندارند. به این موارد باید مدیریت‌های فارغ‌التحصیلان رشته‌های مهندسی و پزشکی که صرفاً در خانواده‌های مذهبی متولد شده‌اند را نیز افزود؛ امری که مصادیق بارز آن در شورای عالی توسعه فرهنگ قرآنی نیز به چشم می‌خورد.

همچنین «امیر ه. م.» گفته است:

مدیران شبکه قرآن صداوسیما هم از اهالی قرآن نیستند و این یکی از آسیب‌های مرتبط با شبکه قرآن است. بنابراین روشن است که وقتی سیاستگذاران بدون در نظر گرفتن شرایط فعالیت‌های قرآنی و بدون مشورت با فعالان و استادان قرآنی تصمیم‌گیری می‌کنند این سیاست‌ها تأثیر چندانی نخواهد داشت.

البته در سال‌های اخیر تعدادی از فعالان قرآن در سازمان‌ها و نهادهای مختلف مورد استفاده قرار گرفته‌اند اما تغییر خاصی در سیاست‌ها رخ نداده است. بنابراین به نظر می‌رسد حضور فعالان قرآنی حالتی نمادین پیدا کرده است.

۵-۴-۵. اهمیت یابی کسب رتبه و موفقیت در جامعه قرآنی

مسابقات قرآن به‌عنوان یکی از عوامل تشویق و جذب افراد به فعالیت‌های جمعی قرآنی بوده است. وجود رقابت بین فعالان قرآنی باعث ایجاد انگیزه در میان آنان شده و مشاهده همین حس رقابت، ترغیب سایر مردم را سبب می‌شود. اما در سال‌های اخیر مسابقات قرآنی با کاهش چشمگیر شرکت‌کننده همراه است. در توضیح این پدیده به نظر می‌رسد مسابقات قرآن کارکرد دوگانه‌ای دارد. از یک‌سو، مسابقه و رقابت می‌تواند مشوق و جذاب باشد و از سوی دیگر، اگر به‌نوعی هدف غایی ارتقاء یابد آسیب‌هایی را به همراه دارد.

«سعید ح.» می‌گوید:

اهمیت یافتن مسابقات به قدری زیاد شده که برخی هدف خود را صرفاً کسب رتبه می‌دانند و همین که در یک مسابقه حایز رتبه می‌شوند چون هدفی ندارند و اصطلاحاً ارضاء شده‌اند از فعالیت‌های جمعی قرآنی فاصله می‌گیرند.

روی دیگر این مسئله، غفلت از سرخوردگی ناشی از به دست نیاموردن رتبه و ناکامی در مسابقات است. اگر مسابقات به قدری اهمیت یابد که به آمال و آرزوی اشخاص مبدل شود، عدم موفقیت در آن باعث کاهش انگیزه افراد خواهد شد. سرخوردگی از مسابقات کلیدواژه‌ای است که "میلاذ ت." به آن اشاره می‌کند و آن را عامل ریزش فعالان قرآنی می‌داند.

با توجه به ناچیز بودن جوایز نفرات برتر مسابقات قرآنی، غالباً کسب رتبه از جهات دیگری اهمیت می‌یابد. طی سالیان گذشته سازمان‌ها و نهادهای قرآنی صرفاً فردی را که در مسابقات حایز رتبه شده باشد به رسمیت می‌شناخته‌اند. به بیان دیگر، تنها راه شناخته شدن و رسمیت یافتن، کسب رتبه در مسابقات است که محدودیت‌های خاص خود را دارد. بنابراین منظور از اهمیت یافتن مسابقات، تلاش برای کسب جایزه نیست. در سال‌های اخیر محدودیت‌های قانونی برای شرکت در مسابقات کشوری نیز وضع شده است. بر این اساس نفراتی که در هر سال رتبه‌های اول تا سوم مسابقات ملی ایران را به دست می‌آورند و با این مجوز فرصت شرکت در مسابقات بین‌المللی را کسب می‌کنند، نمی‌توانند در سال بعد در مسابقات ملی شرکت کنند حتی اگر در مسابقات بین‌المللی حایز رتبه نشده باشند. از این رو تاکنون هیچ قاری ایرانی که در دو مسابقه بین‌المللی معتبر ایران یا مالزی حایز رتبه نخست شده باشد، دیگر در این مسابقات حاضر نشده است.

«سیدمحسن م.» درباره مسابقات می‌گوید:

مسابقات قرآن و کسب رتبه در آن، تنها راه مطرح شدن است و این مهم‌ترین آسیب مسابقات است.

همچنین «محمد رسول ت.» که صاحب عناوین و رتبه‌های مختلف در مسابقات ملی و بین‌المللی است، می‌گوید:

بعد از مسابقات افراد رها می‌شوند، حتی برای آنهایی که رتبه کسب

کرده‌اند برنامه‌ریزی نمی‌شود که سطح خود را حفظ کنند و آن را ارتقا دهند.

دیگر نکته مورد تأکید مصاحبه‌شوندگان این است که از یک‌سو فعالیت قرآنی به‌عنوان یک هنر نباید به‌صورت کمی در مسابقات ارزیابی شود و از سوی دیگر، مسابقات کیفیت تلاوت‌ها را کاهش می‌دهد؛ چراکه نمی‌توان میان افرادی که در سطح بالا تلاوت می‌کنند تفکیک جدی قائل شد مگر اینکه سلیقه در آن دخالت کند و دخالت سلیقه در انتخاب افراد قطعاً آسیب‌های زیادی دارد.

«محمدصادق ب.» در این راستا می‌گوید:

کمی کردن هنر و ارزیابی با نمره بزرگ‌ترین خطاست، در مسابقات به‌جای رتبه‌بندی باید سطح‌بندی انجام شود.

بر این اساس، به نظر می‌رسد در مورد مسابقات قرآن باید تجدیدنظری صورت بگیرد که هم نکات مثبت مانند ایجاد انگیزه، حس رقابت و مشوق بودن در آن لحاظ شود و هم نکات منفی از جمله رتبه‌بندی، دخالت سلیقه و رهاشدن نفرات تا حد امکان مرتفع شود.

۵-۵. شرایط مداخله‌گر محیط سیاسی

در بحث شرایط مداخله‌گر (زمینه‌ای) در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها با مفاهیمی روبه‌رو شدیم که متفاوت از سایر شرایط زمینه‌ای بود. از میان آن مفاهیم، مقوله ناکارآمدی حکومت و همچنین نسبت حکومت با دین اسلام اهمیت بیشتری داشت. با توجه به اهمیت مقوله به‌دست آمده و عدم امکان جمع آن با سایر شرایط زمینه‌ای، این مقوله به‌صورت جداگانه مورد بررسی قرار گرفته است.

جدول ۶. کدگذاری شرایط مداخله‌گر سیاسی

مقوله به‌دست آمده	مفاهیم مطرح شده
فراکنی ناکارآمدی‌های احتمالی حکومت	معرفی کردن مسئولان به‌عنوان نماد اسلام و قرآن
	شکاف سیاسی و فتنه سال ۱۳۸۸

پیوند دین و سیاست در ایران همواره محل بحث‌های طولانی بوده است. با وقوع انقلاب

اسلامی و تشکیل حکومت دینی به‌نام جمهوری اسلامی، این پیوند هر روز عمیق‌تر شد و در نتیجه برخی پیامدهای مثبت و منفی و نیز خواسته و ناخواسته در این راستا پدید آمد که فعالیت‌های جمعی قرآنی را نیز نمی‌توان از این قاعده مستثنی کرد و تأثیر مسائل سیاسی بر آن را نادیده گرفت. «علی ق.» معتقد است:

جریان حاکمیت جمهوری اسلامی از اول دههٔ ۷۰ دچار یک دگردیسی شد که خیلی از انگاره‌ها به عکس خود تبدیل شد و خیلی از ارزش‌ها بی‌ارزش شد. در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی این تغییرات رو آمد و ابراز شد.

این در حالی است که در فعالیت‌های قرآنی بدون در نظر گرفتن احزاب و جناح‌بندی‌های سیاسی، همیشه اصول کلی انقلاب اسلامی تبلیغ و ترویج می‌شده و این فعالیت‌ها، به‌خصوص جلسات آموزش و خانگی قرآن محفل بحث‌های سیاسی نبوده است. با توجه به آنچه گذشت اثرات مسائل سیاسی از دو جنبه قابل بررسی است؛ اول، چگونگی دخالت دولت در فعالیت‌های دینی و قرآنی؛ دوم، آثار پدیده‌ها و رخداد‌های سیاسی بر امور مربوطه. در اینجا آنچه مطمح نظر قرار گرفته، مورد دوم یعنی تأثیر مسائل سیاسی روز بر فعالیت‌های جمعی قرآنی است.

یکی از مواردی که در مصاحبه‌ها بدان اشاره گردید، اینکه برخی مردم رفتارها و اشتباهات مسئولان را به دین مبین اسلام گره می‌زنند و به‌نوعی با دین مواجهه می‌کنند، بنابراین از فعالیت‌های دینی همچون فعالیت‌های قرآنی روی گردان می‌شوند. دیگر نکتهٔ مورد توجه مصاحبه‌شوندگان، رویکردهای متفاوت دولت‌ها و سیاست‌های کلان اتخاذ شده توسط آنها در امور فرهنگی است.

«محمدصادق ب.» دربارهٔ آثار مسائل سیاسی بر فعالیت‌های قرآنی می‌گوید:

همیشه فعالیت‌های جمعی قرآنی رویکرد سیاسی مشخصی داشته و آن حمایت از انقلاب اسلامی بوده است ولی در سال ۸۸ شکاف‌هایی به‌وجود آمد که منجر به گسست گردید. به‌نوعی مردمی که نگاه متفاوتی به آن قضایا داشتند چون فعالیت‌های قرآنی را نماد حاکمیت می‌دانستند از آن فاصله گرفتند.

این نکته بسیار قابل تأمل است که اغلب فعالان قرآنی و حتی افرادی که فعالیت خود را کاهش داده‌اند یا کاملاً غیرفعال هستند، مقام معظم رهبری را به‌عنوان یک کارشناس بزرگ قرآنی، مهم‌ترین و بزرگ‌ترین حامی و پشتیبان فعالیت‌های قرآنی می‌دانند.

۶. پیامدها

پیامدها، نتایج حاصل از بروز و ظهور پدیده مرکزی هستند. پدیده مرکزی در این مقاله با توجه به تحلیل داده‌ها، کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی است و پیامدهای این کاهش در دو مقوله افول منزلت فعالان قرآنی و تنزل تمایل مردم برای برپاداشتن این فعالیت‌ها قابل توضیح است.

جدول ۷. کدگذاری پیامدهای کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی

مقوله به دست آمده	طیف‌های مفهومی
افول منزلت فعالان	کم‌وکیف شناخت مسئولان و مردم درباره هنر و تخصص فعالان قرآنی
	سطح و نوع توجه و عنایت مسئولان به قرائت قرآن از جمله قاریان غیرایرانی
	سطح و نوع مشوق‌ها به‌خصوص در مسابقات قرآنی
	مختصات منزلت استادان و فعالان قرآنی در رسانه‌ها و فضای عمومی
	چشم‌انداز فعالیت‌ها و جایگاه فعالان قرآنی
کمرنگ شدن نقش مردم	تأسیس مؤسسات قرآنی نه در امتداد فعالیت‌های معمول قرآنی بلکه به موازات آنها
	فقدان مشارکت فعال مردم در برگزاری فعالیت‌های قرآنی

۸۰

۶-۱. کاهش منزلت و جایگاه فعالان قرآنی در جامعه

از نظر مصاحبه‌شوندگان، هنر قاری قرآن که در جلسات و محافل قرآنی به اجرای برنامه می‌پردازد توسط مردم دیده نمی‌شود و اصولاً تلاوت قرآن به‌عنوان یک هنر در بین مردم شناخته شده نیست.

فعالان قرآنی برای تأیید این مسئله به افرادی که از تلاوت قرآن به هنرهای دیگر

از جمله موسیقی وارد شده‌اند اشاره می‌کنند و از جمله قاریان قرآن که وارد عرصه موسیقی شدند، می‌توان به محمدرضا شجریان و محمد اصفهانی اشاره کرد. به خصوص استاد شجریان بارها به این نکته که قاری قرآن بوده است اشاره کرده‌اند (ر.ک: همشهری آنلاین، ۱۳۸۶).

همچنین فعالان قرآن، ابعاد موسیقایی قرآن و تلاوت کلام وحی را مورد تأکید قرار می‌دهند. «احد ا.م.» پایین آمدن منزلت فعالان قرآنی را در پی تنزل جایگاه قرآن در جامعه می‌داند:

در جامعه ما فرهنگ خدمت به قرآن از بین رفته است. کسی که برای هیئت عزاداری زحمات فراوانی می‌کشد حاضر نیست در برگزاری جلسه قرآن کمک کند.

۸۱

از سوی دیگر، بحث تشویق‌ها و جوایز مسابقات قرآنی در سطوح مختلف مورد توجه مصاحبه‌شوندگان قرار دارد؛ زیرا نسل جوانی که می‌خواهد در فعالیت‌های جمعی قرآنی شرکت کند، یک قهرمان قرآنی را با قهرمان‌های دیگر حوزه‌ها مقایسه می‌کند. زمانی که جایزه نفر اول مسابقات بین‌المللی قرآن در مقایسه با جوایز نفرات برتر مسابقات ورزشی و حتی سایر عرصه‌های فرهنگی نسبتی ناهمگون دارد، قطعاً انتخاب فعالیت قرآنی در اولویت پایینی قرار می‌گیرد.

«میلا ت.» در این باره می‌گوید:

جایزه مسابقات به‌قدری ناچیز است که با جایزه نفر اول مسابقات بین‌المللی [ایران] حداکثر می‌توان یک پراید خرید.

آینده نامعلوم فعالان قرآنی دیگر دغدغه‌ای است که مورد تذکر قرار گرفت و از زمینه‌های کاهش اقبال به فعالیت‌های قرآنی برشمرده شد؛ چراکه به‌لحاظ اقتصادی و اجتماعی نمی‌توان آینده‌ای را برای یک فعال قرآنی متصور بود.

«سیدمحسن م.» بیان می‌کند:

برای یک فعال قرآنی که سابقه بیست‌ساله دارد نه هیچ شغلی وجود دارد

که مربوط به فعالیت قرآنی باشد و نه حتی فعال قرآنی در میان مردم جایگاهی دارد که به آن افتخار کند. حال کسی که می‌خواهد پا در این عرصه بگذارد با چه انگیزه‌ای وارد شود. انگیزه فعالان قرآنی و فعالیت آنها فقط از روی علاقه و عشق به قرآن است.

مورد بسیار مهم دیگری که خدشه‌دار شدن منزلت و جایگاه فعالیت‌های قرآنی را باعث گردید حواشی ایجادشده در سال‌های اخیر است که از جمله در سال ۱۳۹۵ خبر شکایت از فعال قرآنی، سعید طوسی در خروجی رسانه‌ها قرار گرفت و بازتاب فراوانی یافت. همچنین این خبر با واکنش‌های متفاوتی مواجه گردید (ر.ک: فرارو، ۱۳۹۵). همه مصاحبه‌شوندگان حاشیه ایجادشده در دهه ۱۳۹۰ را یکی از مهم‌ترین عوامل کاهش فعالیت‌های جمعی و نیز منزلت فعالان قرآنی می‌دانند.

۲-۶. کاهش تمایل برای برپایی فعالیت‌های جمعی قرآنی

در سال‌های پیش از انقلاب و تا پایان دهه ۱۳۷۰ بیشتر جلسات قرآن که از مهم‌ترین فعالیت‌های جمعی قرآنی هستند توسط مردم برگزار می‌شدند. بنابر تاریخچه فعالیت‌های قرآنی، اولین مؤسسه قرآنی کشور که در دهه ۱۳۶۰ با نام «دار التحفیظ القرآن الکریم» رسمیت یافت نیز فعالیت خود را از دهه ۱۳۵۰ با همت مردم و خیرین آغاز کرده بود. استاد احد اصل محمدی مدیرعامل دار التحفیظ القرآن الکریم درباره تأسیس این مؤسسه می‌گوید:

جلسات مرحوم پدرم با همت چند تن از دوستان در منازل مردم برگزار می‌شد، در سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۵۰ این جلسات در مسجد امام حسین^ع به فعالیت خود ادامه داد. در سال‌های اول انقلاب یکی از بازاریان تهران که در جلسات قرآن شرکت می‌کرد و از بنیان جلسه بود، ساختمانی را خرید و آن را وقف قرآن کرد. با مشارکت مردم و نظر مرحوم پدرم مؤسسه تأسیس شد و تاکنون نیز با همراهی مردم کار خود را ادامه می‌دهد.

تعداد بسیاری از جلسات قرآن که نگارنده سال‌ها در آنها حضور داشته است در منازل مردم تشکیل می‌گردیده و در حال حاضر نیز برخی هنوز فعال هستند.

«داود ج.» مداخله دولت و سازمان‌های نظارتی را در خارج کردن مردم از این فعالیت‌ها

مؤثر می‌داند و می‌گوید:

در اواخر دهه ۷۰ سازمان حج و اوقاف از هم تفکیک شدند و فعالیت‌های قرآنی که تا آن زمان مردمی و دلی بود... به سازوکار رسمی برای نظارت دولتی بر فعالیت‌های قرآنی تبدیل شد. این [لحظه] شروع رکود فعالیت‌های قرآنی در کشور است. اگرچه اسمش آن بود که خانه‌های قرآن و دارالقرآن‌ها زیاد می‌شود.

همچنین «ابراهیم آ.» می‌گوید:

[دهه ۱۳۵۰-۱۳۷۰] جلسات خیلی تشکیلاتی نبود، خیلی بومی تشکیل می‌شد در منازل و مساجد هم بود... یادم هست در محلات پرچم می‌زدند چراغانی می‌کردند که این هفته جلسه سیار در منزل حاج آقای فلانی است... جلسات محلی بود.

مطابق گفته‌های مصاحبه‌شوندگان، یکی از عواملی که نقش مردم را در برگزاری فعالیت‌های قرآنی کاهش داد، افزایش تعداد مؤسسات آموزش قرآن است. در اواخر دهه ۱۳۷۰ و شروع دهه ۱۳۸۰ تصمیماتی برای سامان‌دهی فعالیت‌های مربوط به آموزش قرآن اتخاذ شد و «سازمان دارالقرآن الکریم» برای عمل به اهداف و وظایفی که در چارچوب سازمانی برایش تعیین شده بود، به‌عنوان متولی آموزش قرآن معرفی گردید.

سازمان تبلیغات اسلامی به موازات تأسیس در سال ۱۳۶۰ و در راستای عمل به وظایف اساسی خود در حوزه نشر فرهنگ قرآنی، ابتدا بخش «دارالقرآن الکریم» را در مرکز با حضور جمعی از چهره‌های برتر قرآنی و انقلابی کشور تأسیس کرد. از سال ۱۳۸۱ به بعد با تغییر ساختار تشکیلاتی به یکی از مؤسسات وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی تحت عنوان «سازمان دارالقرآن الکریم» تبدیل گردید (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی تلاوت، بخش معرفی سازمان).

بدین ترتیب شرایطی برای فعالان قرآنی تعریف گردید تا مجوز تأسیس مؤسسه آموزش قرآن را دریافت کنند. از سوی دیگر «معاونت قرآن و عترت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» نیز برای مؤسسات قرآنی مجوز فعالیت صادر می‌کرد.

در سال ۱۳۸۰ مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی در وزارت ارشاد تأسیس شد. برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی قرآن کریم، توجه جدی به نشر قرآن و فرهنگ قرآنی، حمایت از تأسیس مؤسسه‌ها و تشکل‌های قرآن و عترت و ده‌ها فعالیت متنوع فرهنگی دیگر از اقدامات این مرکز بود. در سال ۱۳۹۱ این مرکز به معاونتی مستقل به نام قرآن و عترت تبدیل گردید (ر.ک: پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بخش معاونت قرآن و عترت).

«داود ج.» معتقد است:

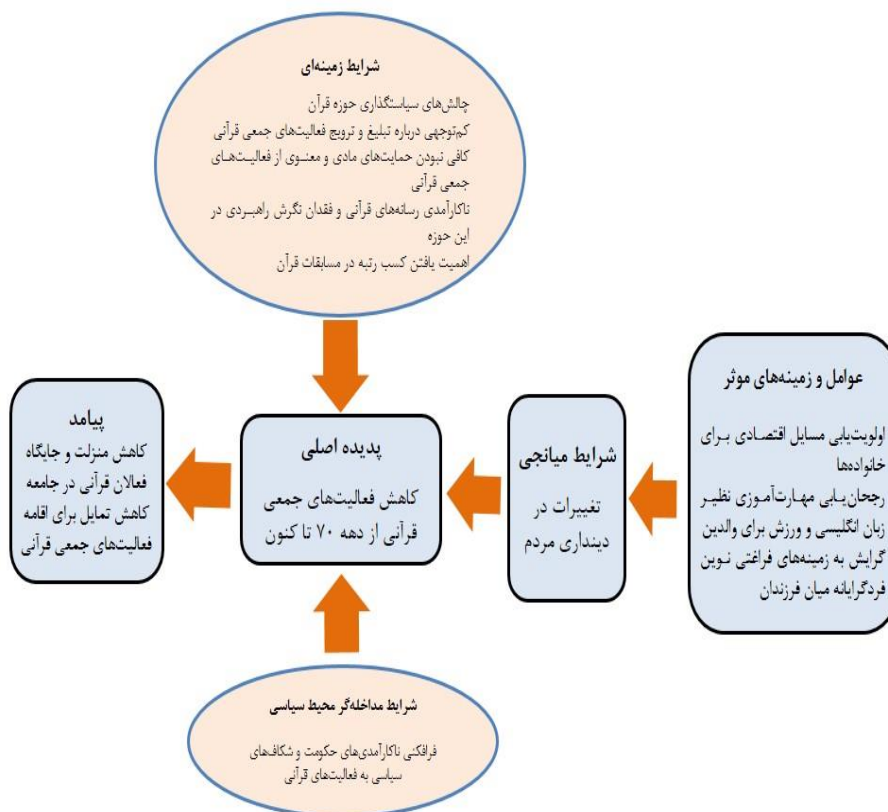
تلاش سازمان دارالقرآن و مرکز توسعه و ترویج فعالیت‌های قرآنی وزارت ارشاد برای موفق نشان دادن خود در توسعه فعالیت‌های قرآنی و رقابت آنها برای افزایش آمار مؤسسات تحت حمایت خود، منجر به تأسیس تعداد کثیری مؤسسه قرآنی گردید که توسط افراد غیرمتخصص ثبت و اداره می‌شد.

۸۴

آنچه مشخص است افزایش کمی مؤسسات قرآنی اثرات منفی را برجای گذاشت. عدم حضور استادان مبرز قرآن در این مؤسسات، اعتماد مردم را کاهش داد و جلسات خانگی قرآن را به حاشیه کشاند. فارغ از محسنات سامان‌یابی آموزش قرآن، فرآیندهای بوروکراتیک و اداری دست‌وپای فعالیت قرآنی را بست و این خود از عواملی است که شرایط را برای کاهش فعالیت‌ها مهیا کرد. افزایش بی‌رویه تأسیس مؤسسات قرآنی که به تعطیلی جلسات خانگی منجر شد بستر را برای کم‌رنگ شدن نقش مردم و کنار رفتن آنان از روند برگزاری و مشارکت در فعالیت‌های جمعی قرآنی فراهم کرد.

با توجه به مباحثی که در این بخش بیان گردید و همچنین با در نظر گرفتن کدگذاری‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش، مدل پارادایمی این پژوهش را ترسیم خواهیم کرد.

نمودار ۱. مدل پارادایمی فراز و فرود فعالیت‌های جمعی قرآنی از دیدگاه فعالان این عرصه



۷. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به مدل پارادایمی که از تحلیل و دسته‌بندی یافته‌های پژوهش به‌دست آمده است پدیده مرکزی، روند کاهشی فعالیت‌های جمعی قرآنی مردمی از میانه دهه ۱۳۸۰ است. به بیان دیگر، در پاسخ به پرسش اصلی تحقیق که آثار تغییرات اجتماعی - فرهنگی را بر فعالیت‌های جمعی قرآنی مورد بررسی قرار داده بود، باید گفت برآیند تغییرات مزبور موجبات کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی خودجوش و مردمی را فراهم کرده است. برای توضیح این پدیده سه گروه از عوامل تعیین شده‌اند.

عوامل اولیه یا زمینه‌های مؤثر که در تحلیل یافته‌ها استخراج شده‌اند، بدین ترتیب هستند: ۱. رجحان یافتن مهارت‌های دیگری مانند زبان و ورزش برای خانواده‌ها، ۲. به‌وجود

آمدن زمینه‌های فراغتی جدید که به‌نوعی در رقابت با فعالیت‌های جمعی قرآنی قرار گرفته‌اند و ۳. اولویت یافتن مسائل اقتصادی و کاهش اهمیت امور تربیتی برای جامعه. هر سه این عوامل را می‌توانیم ذیل تغییرات اجتماعی - فرهنگی جامعه تبیین کنیم.

در توضیح پدیده اصلی، دسته‌ای از عوامل وجود دارند که اثرات کمتری داشته و به‌نام شرایط مداخله‌گر (زمینه‌ای) ذکر شده‌اند. شرایط مداخله‌گر را با توجه به نوع اثرگذاری آنها به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرده‌ایم. شرایط درونی، شرایطی است که از محیط قرآنی نشئت گرفته‌اند و شرایط بیرونی، ناشی از محیط سیاسی می‌باشند. شرایط زمینه‌ای که بر فعالیت‌های جمعی قرآنی تأثیر گذاشته‌اند، عبارت‌اند از: کافی نبودن حمایت‌های مادی و معنوی از فعالیت‌های جمعی قرآنی، کم‌توجهی به تبلیغ و ترویج فعالیت‌های جمعی قرآنی، فقدان نگرش راهبردی و ناکارآمدی رسانه‌های قرآنی، چالش‌های سیاست‌گذاری در حوزه قرآن که به تدریج سبب اهمیت‌یابی کسب موفقیت در مسابقات قرآنی شده است. همچنین، شرایط اثرگذار ناشی از محیط سیاسی عبارت است از گره خوردن ناکارآمدی‌های حکومت به دین که بعضاً موجب فاصله گرفتن برخی گروه‌ها از فعالیت‌های قرآنی می‌شود.

چنانچه ملاحظه می‌شود عوامل مداخله‌گر را می‌توان به بحث چگونگی حمایت‌های دولتی از فعالیت‌های قرآنی و نیز انتساب غیرموجه آنها به نظام سیاسی فروکاهید. به‌رغم وجود دوگانه مناسب دولتی و مردمی که از سوی برخی نظریه‌پردازان و پژوهشگران مطرح می‌شود (ر.ک: مظاهری، ۱۳۹۷) در اینجا شاهد نارضایتی فعالان قرآنی از کم‌وکیف مداخله دولت در فعالیت‌های قرآنی هستیم.

مجموعه عوامل اولیه، شرایط زمینه‌ای محیط قرآنی و شرایط مداخله‌گر محیط سیاسی، زمینه شکل‌گیری پدیده اصلی یعنی کاهش فعالیت‌های جمعی قرآنی را به‌وجود آورده‌اند که پیامد آن شامل تغییرات در دینداری مردم، کاهش منزلت فعالان قرآنی و تنزل گرایش مردم به برپایی فعالیت‌های جمعی است. به بیان دیگر مجموعه این عوامل و شرایط به تدریج تغییراتی را در نوع دینداری و منزلت فعالان و فعالیت قرآنی و همچنین در تمایل مردم به مشارکت در فعالیت‌های جمعی قرآنی ایجاد کرده که نتیجه‌اش افول فعالیت‌های جمعی قرآنی در دهه ۱۳۹۰ است. همان‌طور که در بخش یافته‌ها بدان اشاره گردید، این فرآیند کاهشی از اواسط دهه ۱۳۸۰ آغاز گردیده و تاکنون ادامه داشته است.

سرانجام، به سایر پرسش‌های تحقیق، پاسخ صریحی داده نشد و به نظر می‌رسد

فعالیت‌های جمعی قرآنی نه با منطق صنعت فرهنگ امتزاج یافته‌اند و نه در معنایی هژمونیک توسط دولت‌ها مورد بهره‌برداری قرار گرفته‌اند. همچنین انتساب فعالیت‌های قرآنی به نظام سیاسی، پیامدهای ناموجهی از جمله فرافکنی ناکارآمدی‌های احتمالی حکومت و شکاف‌های سیاسی بر فعالیت‌های قرآنی را به‌دنبال داشته است. به‌علاوه، فعالیت‌های جمعی قرآنی نه تنها اقدامی همگرا با روندهای جهانی نیست بلکه حامل نوعی مخالفت و مقاومت در برابر جهانی‌سازی به‌معنای نوعی تحول فرهنگی به‌شمار می‌رود.

فهرست منابع

۱. آدورنو، تئودور و ماکس هورکهایمر (۱۳۸۹)، **دیالکتیک روشنگری**، ترجمه مراد فرهادپور و امید مهرگان، چاپ چهارم، تهران، گام نو.
۲. آزادارمکی، تقی و احمد غیاثوند (۱۳۸۱)، «تحلیل جامعه‌شناختی وضعیت دینداری جوانان با رویکرد بی‌شکلی دین‌ورزی»، **فصلنامه شناخت**، سال نهم، شماره ۳، ص ۱۱۷-۱۴۸.
۳. استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۹۰)، **اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها**، ترجمه بیوک محمدی، چاپ سوم، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. اسماعیلی، عطاءالله (۱۳۹۷)، «گفت‌وگو با استاد سیدمحسن موسوی بلده»، **ماهنامه خیمه**، سال پانزدهم، شماره ۱۲۸، ص ۵۱-۵۲.
۵. امینی‌تهرانی، محمد و محمدرضا شهیدی‌پور (۱۳۹۷)، «نقش انقلاب اسلامی در گسترش پژوهش‌های فنون قرائت»، **دوفصلنامه مطالعات قرائت قرآن**، سال ششم، شماره ۱۱، ص ۱۵-۳۶.
۶. انتظاری، علی (۱۳۹۱)، «قطبی شدن به منزله جایگزینی برای مفهوم جهانی شدن»، **مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبائی**، سال دوازدهم، شماره ۲۵۸، ص ۱۲۹-۱۵۸.
۷. اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، **تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی**، ترجمه مریم وتر، تهران، کویر.
۸. _____ (۱۳۹۹)، **تکامل فرهنگی تغییر ارزش‌ها و استحاله جهان**، ترجمه عبدالله فاضلی، تهران، کویر.
۹. اینگلهارت، رونالد، هانس. دیتز کلینگ‌مان و کریس ولزل (۱۳۸۲)، **توسعه انسانی: نظریه‌ای درباره تغییر اجتماعی**، ترجمه هادی جلیلی، تهران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۰. اینگلهارت، رونالد و پپیا نوریس (۱۳۸۷)، **مقدس و عرفی: دین و سیاست در جهان: کندوکاوی در جوامع مذهبی و غیرمذهبی جهان**، ترجمه مریم وتر، تهران، نشر کویر.
۱۱. _____ (۱۳۹۵)، **جهانی شدن و تنوع فرهنگی**، ترجمه عبدالله فاضلی و ساجده علامه، تهران، کویر.
۱۲. بخشایش اردستانی، احمد و حامد مظلومی (۱۳۹۲)، «جهادگرایی نوین و نگاه القاعده به مفهوم جهاد»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال ششم، شماره ۲۲، ص ۴۵-۶۶.
۱۳. بشیر، حسن و کاظم مؤذن (۱۳۹۳)، «الگوی ارتباطی - فرهنگی دعا در فرهنگ اسلامی - شیعی با تأکید بر ادعیه صحیفه سجاده»، **فصلنامه دین و ارتباطات**، سال بیست‌ویکم، شماره ۲، ص ۳۹-۷۰.
۱۴. پویا، علیرضا (۱۳۹۷)، «نقش رسانه‌های جمعی در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی با رویکرد قرآنی»، **مطالعات اسلامی آسیب‌های اجتماعی**، سال اول، شماره ۱، ص ۱۱۱-۱۳۴.
۱۵. تبیک، محمدتقی، ناصر آقابابایی و علی فتحی آشتیانی (۱۳۹۴)، «رابطه احساس گناه و شرم با دینداری و سلامت روان»، **پژوهشنامه روان‌شناسی اسلامی**، سال اول، شماره ۱، ص ۱۶۰-۱۷۶.

۱۶. جوادی یگانه، محمدرضا (۱۳۹۵)، موج سوم پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان: گزارش کشوری (۱۳۹۴)، تهران، دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
۱۷. حسن‌پور، آرش و ثریا معمار (۱۳۹۴)، «مطالعه وضعیت دین‌ورزی جوانان با تأکید بر دینداری خودمرجع (ارائه یک نظریه زمینه‌ای)»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال هشتم، شماره ۳، ص ۹۹-۱۳۱.
۱۸. ربانی، زینب، ایمان‌الله بیگدلی و محمود نجفی (۱۳۹۴)، «رابطه مذهب با سلامت روان: نقش میانجی احساس شرم و گناه»، پژوهش‌های روان‌شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات تربیتی و روان‌شناسی)، سال پنجم، شماره ۱، ص ۱۳۴-۱۵۳.
۱۹. ریشه، گی (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.
۲۰. زائری، قاسم و آرش نریمانی (۱۳۹۹)، «نفی امر اجتماعی: برآمدن گفتارهای فردگرایانه در ایران پساجنگ (روان‌شناسی موفقیت، عرفان‌گرایی و انسان اقتصادی)»، مطالعات جامعه‌شناختی، سال بیست‌وهفتم، شماره ۱، ص ۹-۴۹.
۲۱. سبحانی‌نژاد، مهدی، عبدالله افشار و زهرا زارعی (۱۳۸۸)، «تبیین جایگاه و چگونگی اصلاح الگوی مصرف اوقات فراغت خانواده‌های ایرانی به‌منظور ارائه راهکارهای عملیاتی بهره‌مندی جامع با عنایت به تعالیم دینی اسلام»، فصلنامه فرهنگی - دفاعی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۱۶، ص ۲۳-۶۶.
۲۲. سپهری، محمد (۱۳۸۴)، «مأموریت‌های قرآنی در عصر رسالت با تأکید بر نقد و بررسی حادثه رجیع»، پژوهش دینی، سال چهارم، شماره ۱۰، ص ۷-۳۵.
۲۳. شجاعی‌زند، علیرضا (۱۳۹۳)، نقش دین در توسعه تهران: الگوی پیشرفت (وابسته به مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت).
۲۴. شمخی، مینا، سامی، محمدجواد و علیرضا خنشا (۱۳۹۹)، «بررسی تطبیقی اعلامیه جهانی حقوق حیوانات در غرب و اسلام با استناد به نامه ۲۵ نهج البلاغه»، پژوهشنامه نهج البلاغه، سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۱-۱۷.
۲۵. صادقی فسایی، سهیلا و زهرا میرحسینی (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی روایت زنان از زندان، پس از آزادی»، زن در توسعه و سیاست، سال دوازدهم، شماره ۳، ص ۳۶۲-۳۴۵.
۲۶. طالبی، ابوتراب و الهه براق‌علی‌پور (۱۳۹۴)، «گونه‌شناسی زیارت و دینداری زائران: معناکاوی

- کنش زیارت زائران امام رضا (ع)، فصلنامه علوم اجتماعی (دانشگاه علامه طباطبائی)، سال بیست و دوم، شماره ۲، ص ۷۵-۱۰۶.
۲۷. عباسی دره بیدی، احمد و سیداحمد محمودیان (۱۳۹۴)، «بررسی راهکارهای استفاده از اوقات فراغت در قرآن و روایات و اثر آن بر سلامتی»، فصلنامه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن کریم، سال ششم، شماره ۲، ص ۷-۲۰.
۲۸. عبدالله پور، نازی، مقیمی آذری، محمدباقر، قلی زاده، حسین، سیدمهدوی اقدم، میرروح اله و زینب علی اشرفی زکی (۱۳۸۸)، «رابطه بین دینداری با کارکرد خانواده در بین دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی تبریز»، فصلنامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره ۷، ص ۱۵۷-۱۷۶.
۲۹. غیاثوند، احمد (۱۳۸۶)، «بررسی وضعیت رفتارهای دینی در بین دانشجویان»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۲، ص ۱۲۵-۱۴۴.
۳۰. _____ (۱۳۹۵)، «رفتارها و باورهای ایرانیان: تحلیلی جامعه‌شناختی از چهار دهه دینداری در جامعه ایران، فصلنامه علوم اجتماعی (علامه طباطبائی)، سال بیست و سوم، شماره ۴، ص ۲۱۱-۲۵۱.
۳۱. فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۶)، «تحولات نوروز در دنیای امروز»، ماهنامه پژوهشی، اجتماعی و تحلیلی آیین، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، ص ۸۸-۹۳.
۳۲. فرتاش، فریناز و زهره سیفوری (۱۳۹۸)، «فعالیت‌های جمعی در باور معلمان و زبان‌آموزان و در عرصه کلاس درس»، پژوهش‌های زبان‌شناختی در زبان‌های خارجی، سال نهم، شماره ۱، ص ۱۴۷-۱۷۵.
۳۳. فرجی، مهدی و عباس کاظمی (۱۳۸۸)، «بررسی وضعیت دینداری در ایران: با تأکید بر داده‌های پیمایش‌های سه دهه گذشته»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، سال دوم، شماره ۲، ص ۷۹-۹۵.
۳۴. فلیک، اووه (۱۳۸۸)، درآمدی بر تحقیق کیفی، ترجمه هادی جلیلی، چاپ دوم، تهران، نشرنی.
۳۵. کاظمی لطیف، حسین (۱۳۸۸)، «اسلام و چالش‌های اخلاقی معاصر»، فصلنامه جاویدان خرد، سال هفتم، شماره ۱، ص ۲۵-۵۱.
۳۶. کارشناس، علی (۱۳۹۵)، «مبانی کلامی جهانی شدن در قرآن کریم از نظرگاه فقه سیاسی شیعه»، فصلنامه آیین حکمت، سال هفتم، شماره ۴، ص ۷۸-۵۹.
۳۷. کاظمی، نجمه و محمد عترت دوست (۱۳۹۷)، «تحلیل شاخص‌های حاکم بر روابط فردی و اجتماعی از منظر گفتمان فرهنگ قرآنی»، قرآن و طب، سال سوم، شماره ۳، ص ۱۶۵-۱۷۳.
۳۸. کچویان، حسین (۱۳۸۳)، کندوکاو در ماهیت معمایی ایران (جهانی‌سازی، دموکراسی و جامعه‌شناسی سیاسی ایران)، قم، بوستان کتاب.

۳۹. _____ (الف، ۱۳۹۰)، **تجددشناسی و غرب‌شناسی: حقیقت‌های متضاد**، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۴۰. _____ (ب، ۱۳۹۰)، **هویت ما، قم، کتاب فردا**.
۴۱. _____ (۱۳۹۱)، **انقلاب اسلامی ایران و انفتاح تاریخ: بیداری اسلامی در بهار عربی**، تهران، انتشارات سوره مهر.
۴۲. مرادی، امیر، کشاورز، سوسن و محسن کردلو (۱۳۹۹)، «تنگناهای تربیتی شبکه‌های اجتماعی مجازی بر کودکان و نوجوانان و راهکارهای پیشگیرانه با تأکید بر آموزه‌های تربیتی قرآن و احادیث»، **پژوهش‌های تربیتی**، سال دوازدهم، شماره ۱، ص ۱۰۸-۱۳۶.
۴۳. مرحمتی، زهرا و فرهاد خرمائی (۱۳۹۷)، «رابطه دینداری و امید: نقش واسطه‌ای صبر»، **روان‌شناسی تحولی (روان‌شناسان ایرانی)**، سال چهاردهم، شماره ۴، ص ۴۳۵-۴۴۴.
۴۴. مریدی، محمدرضا (۱۳۹۰)، «مشارکت نقاشان در فعالیت‌های جمعی جامعه هنر نقاشی ایران»، **جامعه‌شناسی هنر و ادبیات**، سال سوم، شماره ۲، ص ۳۱-۵.
۴۵. مظاهری، محسن حسام (۱۳۹۷)، **پیاده‌روی اربعین: تأملات جامعه‌شناختی (مجموعه مقالات)**، اصفهان، آرما.
۴۶. مهری، بهار و سحر رحمانی (۱۳۹۱)، «بررسی شکاف نسلی به لحاظ وضعیت دینداری دو نسل دهه ۵۰ و ۷۰ (با تأکید به بعد مناسکی)»، **فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، سال سوم، شماره ۶، ص ۹-۳۶.
۴۷. میرزاجانی بیجارپسی، معصومه و رقیه صادقی‌نیری (۱۳۹۹)، «گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با کم‌فروشی»، **مطالعات تفسیری**، سال یازدهم، شماره ۲، ص ۱۷۹-۲۰۰.
۴۸. واگو، استفان (۱۳۷۳)، **درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی**، ترجمه احمد غروی‌زاده، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی.
۴۹. یزدخواستی، بهجت، ربانی خوراسگانی، علی و زهراسادات کشاورز (۱۳۹۴)، «بررسی تأثیر دینداری بر گرایش به رفتار انتخاباتی شهروندان اصفهانی با تأکید بر نظام مردم‌سالاری دینی»، **جامعه‌شناسی کاربردی**، سال بیست‌وششم، شماره ۲، ص ۱۷-۴۰.
۵۰. اطهری‌فرد، صالح (۱۳۹۳)، «راهکارهای عدم تداخل برنامه‌های مساجد با جلسات قرآن»، تاریخ انتشار: ۳ دی ۱۳۹۳، کد خبری: ۱۳۹۳۱۰۰۳۰۰۱۵۲، به نقل از: خبرگزاری فارس.
۵۱. بحرالعلوم، محمدمهدی (۱۳۹۴)، «دلایل تعطیلی جلسات محوری و ثابت حفظ قرآن»، تاریخ انتشار: ۱۰ مرداد ۱۳۹۴، کد خبری: ۴۴۷۳۴۷، به نقل از: مشرق‌نیوز.
۵۲. توپچی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «نسبت به کاهش جلسات قرآن خانگی و مساجد بی تفاوت شدید /

- مؤسسات نباید جای جلسات را بگیرد»، تاریخ انتشار: ۲۰ مهر ۱۳۹۸، کد خبری: ۳۸۴۸۷۲۳، به نقل از: خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا).
۵۳. سیاح گرجی، مسعود (۱۳۹۷)، «گلایه قاری بین‌المللی از تعطیلی جلسه قرآن در ماه عزای حسینی»، تاریخ انتشار: ۴ شهریور ۱۳۹۷، کد خبری: ۲۲۶۳۵۹۹، به نقل از: پایگاه اطلاع‌رسانی نسیم آنلاین.
۵۴. صالحی، سیدعباس (۱۳۹۷)، «فعالیت‌های قرآنی چهل سال اخیر قابل قیاس با چند قرن قبل نیست»، تاریخ انتشار: ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۷، کد خبری: ۱۳۹۷۰۲۲۹۰۰۱۱۹۴، به نقل از: خبرگزاری فارس.
۵۵. کاظمی نسب، محمدتقی (۱۳۹۵)، «رشد ۸۰ درصدی جلسات قرآن نسبت به قبل از انقلاب»، تاریخ انتشار: ۲۴ بهمن ۱۳۹۵، کد خبری: ۳۵۷۲۱۹۷، به نقل از: خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا).
۵۶. محمدی، حسن (۱۳۹۶)، «کاهش بودجه قرآنی نشانگر مهجوریت قرآن نزد مسئولان است»، تاریخ انتشار: ۲۵ آذر ۱۳۹۶، کد خبری: ۶۳۶۲۳۵۴، به نقل از: باشگاه خبرنگاران جوان.
۵۷. قدس آنلاین، «برگزاری مسابقات دارالقرآن امام علی علیه السلام در قم با بیش از ۵ هزار شرکت‌کننده»، تاریخ انتشار: ۱۰ بهمن ۱۳۹۷، کد خبری: ۶۴۲۰۶۷، به نقل از: قدس آنلاین.
۵۸. همشهری آنلاین، «زندگینامه: محمدرضا شجریان»، تاریخ انتشار: ۳۱ شهریور ۱۳۸۶، کد خبری: ۳۲۱۱۸، به نقل از: همشهری آنلاین.
۵۹. پایگاه خبری تحلیلی فرارو، «سیر تا پیاز ماجرای سعید طوسی»، تاریخ انتشار: ۳ آبان ۱۳۹۵، کد خبری: ۲۹۳۵۶۴، به نقل از: پایگاه خبری تحلیلی فرارو.
۶۰. خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا)، «علل تعطیلی جلسات قرآن در ایام عزاداری حسینی»، تاریخ انتشار: ۸ مهر ۱۳۹۶، کد خبری: ۳۶۴۷۳۷۹، به نقل از: خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا).
۶۱. مشرق نیوز، «کاهش ۶۰ درصدی بودجه قرآنی ۹۷»، تاریخ انتشار: ۲۴ آذر ۱۳۹۶، کد خبری: ۸۰۹۳۶۱، به نقل از: مشرق نیوز.
۶۲. مشرق نیوز، «کاهش چشمگیر اعتبارات قرآنی در بودجه ۹۸»، تاریخ انتشار: ۴ دی ۱۳۹۷، کد خبری: ۹۲۲۸۳۰، به نقل از: مشرق نیوز.
۶۳. باشگاه خبرنگاران جوان، «نابغه قرآنی دیروز حالا چه می‌کند؟»، تاریخ انتشار: ۲۴ خرداد ۱۳۹۵، کد خبری: ۵۶۴۸۱۰۶، به نقل از: باشگاه خبرنگاران جوان.
۶۴. تلاوت؛ پایگاه اطلاع‌رسانی سازمان دارالقرآن الکریم.
۶۵. پایگاه اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

66. Hjarvard, Stig (2008), **The Mediatization of Society**, Nordicom review, 29 (2), pp.102-131.
67. Lechner, Frank J. (2005), **Globalization, Encyclopedia in Social Theory**, vol. 1, pp.365-368.
68. Scott, peter (1999), **Globalization and the University**, CRE action, number 115, pp 35-46.

